



نمایندگی‌های سیاسی مقیم در کابل:

حملات هدفمند طالبان

به ایجاد محیط ناامن کمک می‌کند

اطلاعات روز: هیأت اتحادیه اروپا، نمایندگی غیرنظامی ناتو در افغانستان و...

صفحه ۲

واگذاری باتوم ۴۰۴:

مصونیت آینده آمریکا

صفحه ۳

غنی می‌توانست رهبر خوبی باشد



صفحه ۴

هولر:

بایرن در مسیر درستی قرار دارد

صفحه ۷

راه‌حل‌های تعمیر ناشونده

وشکست خورده (۳)

صفحه ۸

یادداشت روز

چرا طالبان از حکومت موقت طفره می‌روند؟

به وفور از زبان اعضای هیأت، منابع حکومتی و خبرنگاران شنیده شده که طالبان نه به صورت مستقیم و رسمی و نه به صورت غیرمستقیم و غیررسمی، در مورد گزینه‌ی حکومت موقت یا عبوری سخن نگفته‌اند. تفسیری مورد نظری که از این سخن می‌شود در راستای انکار حکومت موقت و نبودن آن در برنامه‌ی روند سیاسی دوحه است. مقامات حکومت سعی می‌کنند با تمسک به این موضوع چنین تفسیری بیرون دهند که حکومت موقت در روند صلح مطرح بحث نیست.

دیروز تعدادی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان نیز در یک نشست مجازی این موضوع را برجسته کردند که طالبان نه به صورت رسمی و نه به صورت غیررسمی با آن‌ها در مورد حکومت موقت سخنی به میان نیاورده‌اند.

روایت رئیس‌جمهور غنی از روند صلح، به‌عنوان رئیس دولت در نظامی که قانون اساسی آن را تعریف کرده است، حل سیاسی جنگ در چارچوب قانون اساسی نافذ و فعلی است. رئیس‌جمهور معتقد است که قانون اساسی نافذ و فعلی افغانستان، ظرفیت حل سیاسی برای جنگ جاری را دارد و چنین اتفاقی را برمی‌تابد...

۲



اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان:

طالبان هیچ سخنی درباره‌ی حکومت موقت نکرده‌اند

صفحه ۲

کاهش میزان ابتلا به کرونا:

۲۴ مریض جدید در یک شبانه‌روز گذشته شناسایی شدند

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست و چهار ساعت گذشته ۱۶۴۸ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را...

صفحه ۲

استیضاح ترمپ؛ پنج وکیل از تیم حقوقی او جدا شدند»

صفحه ۶



توزار

باران مرگ

چگونه ۱۰ عضو خانواده عبدالباقی در جنگ ژبری قندهار کشته شدند؟

عبدالباقی تازه نماز صبح را در یکی از مسجدهای شهر قندهار خوانده بود و هنوز از دروازه مسجد پا بیرون نگذاشته بود که تلفنش زنگ می‌خورد. شماره تماس احمدالله خواهرزاده‌اش روی صفحه‌ی تلفن ساده‌اش ظاهر می‌شود. احمدالله با صدای لرزان پیام کوتاهی را به مامایش می‌رساند: «اگر ایستاده‌ی حرکت کن! و اگر نشسته‌ی بلند شو! حرکت کن! زود بیا!»

زنگ‌های بی‌درپی احمدالله و اهالی روستای «سولغی» آتش به جان عبدالباقی می‌اندازد. زن و بچه‌هایش را سوار موتر کرده و به سوی ولسوالی ژبری حرکت می‌کند. هر چند دقیقه بعد تماسی از اقارب و همسایگان خود دریافت کرده و پیام مشابهی را دریافت | صفحه ۴

تحلیل



بنیادگرایی و سرنوشت تناقض‌بار یک نسل

خوانشی از رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها»، اثری از کاوه جبران

رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها»، نوشته‌ی کاوه جبران را می‌توان رمانی با موضوع تاریخی قلمداد کرد. پی‌رنگ اصلی رمان را توضیح و کماکان | صفحه ۵

۳

اصابت هاوان‌های طالبان در بازار المار فاریاب؛ دو نفر کشته و ۱۴ نفر زخمی شدند

صفحه ۲



توزار

دادخواهی ۲۸ ماهه‌ی پدر برای پسر

پرونده‌ی قتل ۵۰۰ صفحه‌ای که بدون عدالت قطور شده است

امیرمحمد پدری ۶۲ ساله با پرونده‌ی ۵۰۰ صفحه‌ای قتل پسر ۲۱ ساله‌اش نوراحمد، یک هفته قبل پالاپال به دفتر روزنامه اطلاعات روز آمده بود. آخرین روزنه‌ی امید برای دادخواهی و تأمین عدالت برای پسر مقتولش. تلاش‌های دو سال و چهار ماه او در نهادهای عدلی و قضایی برای محاکمه‌ی عادلانه‌ی عاملان قتل پسرش بی‌سرانجام مانده است. دادگاه چهارم که چند ماه قبل برگزار شده، دو متهم اصلی را برائت داده است. دادستان پرونده که براساس قانون باید درخواست تجدید نظر می‌داد، حکم این دادگاه را پذیرفته است و از آن پس تلاش‌های پدر برای درخواست تجدیدنظر در دادستانی کل هم نتیجه نداده است.

امیرمحمد در ۲۸ میزان ۱۳۹۷ زمانی که در صف رای‌دهی انتخابات پارلمانی بود...



World Food Programme

درخواست برای ابراز علاقمندی

EXPRESSION OF INTEREST NO. WFP/AFG/SC/EOI/2021/01

دفتر پروگرام غذایی جهان - افغانستان (WFP) در جستجوی شرکت‌های معتبر و ثبت شده ترانسپورتی و ترانزیتی به منظور ارائه خدمات ذیل می‌باشد:

- ۱- شرکت‌های ترانسپورتی به منظور انتقال مواد غذایی و غیرغذایی بشر دوستانه از گدام‌های این دفتر واقع در ولایات کابل، مزارشیرف، بدخشان، ننگرهار، هرات و قندهار به دیگر نقاط کشور.
 - ۲- شرکت‌های ترانزیتی برای تصفیه اسناد گمرکی محموله‌ها از گمرک‌های حیرتان، شیرخان بندر، آقینه، تورغندی، اسلام قلعه، تورخم و سپین‌بولدک و انتقال آن به دیگر ولایات کشور.
- بناء از شرکت‌های علاقمند دعوت به عمل می‌آید تا سند اظهار علاقمندی خود را همراه با جواز، اسناد تجاری کاری، اسناد تصفیه مالیاتی و معلومات حساب بانکی خویش را تحت عنوان ذیل جهت بررسی و طی مراحل بعدی به ایمیل آدرس KABL.PROCUREMENT@WFP.ORG ارسال بدارند. آخرین مهلت الی تاریخ ۱۳ فبروری ۲۰۲۱ مطابق با ۲۶ دلو ۱۳۹۹ ساعت ۴ بعد از ظهر می‌باشد. REFERENCE: EOI NO. WFP/AFG/SC/EOI/2021/01 FOR TRANSPORTATION AND CLEARING & FORWARDING SERVICES

<div><div> </div></div>	ادامه‌یادداشت‌روز	<div><div> </div></div>
---	--------------------------	---

به عبارت دیگر، روایت او حفظ نظام قانون اساسی و حل سیاسی جنگ جاری در چارچوب آن است به گونه‌ای که طالبان با پذیرش مصالحه و توافق سیاسی در ذیل نیروهای سیاسی منسوب به حوزه‌ی جمهوری اسلامی افغانستان قرار بگیرند. عجلاننا از این سخن که روایت آقای غنی از روند صلح، در راستای حفظ نظام و قانون اساسی است یا پروای دوام حکومت قدرت خودش را دارد، می‌گذریم.

در نقطه‌ی مقابل دیدگاه رییس‌جمهور، روایت شورش قرار دارد. طالبان نظام قانون اساسی فعلی را از بنیاد رد می‌کنند. براساس روایت طالبان، نظم موجود غیراسلامی، وارداتی، دست‌نشانده و فاقد مشروعیت است. براساس این روایت، حل سیاسی جنگ جاری افغانستان و پایان‌دادن به شورش، با ویران‌کردن نظم جاری و اعمار قانون اساسی و نظم سیاسی به کل جدیدی ممکن است که طالبان در رأس قرار بگیرند و دیگر جناح‌های سیاسی در ذیل آن. این حداکثر مطالبه و چشم‌انداز طالبان در خصوص حل سیاسی جنگ افغانستان است.

اکنون، میان این دو خواست و چشم‌انداز حداکثری، راه میانه‌ای که به‌نظر می‌آید و می‌تواند حل سیاسی جنگ و شورش را ممکن کند، تعدیل قانون اساسی، ساختن یک نظم و دولت فراگیر و همه‌شمول و گنجاندن مطالبات شورشیان و نظام قانون اساسی فعلی افغانستان است. فارغ از این‌که به‌منظور خلق فشار و دست‌یابی به حداکثر مطالبات و امتیازات، طالبان و قشر سیاسی نظام قانون اساسی فعلی در مواضع‌شان چه می‌گویند، واقع این است که هردو طرف بر این واقعیت واقف‌اند. چنین چیدمانی، به یک حکومت موقت و عبوری که از توافقنامه‌ی سیاسی و آتش‌بس نظارت و اجرای آن را تضمین کند، ضرورت دارد. مخالف یا موافق حکومت موقت بودن، نمی‌تواند چیزی از واقعیت سیاسی و نظمی تلخ یا شیرین افغانستان بکاهد یا به آن بیفزاید. بدیهی است که نه طالبان قرارگرفتن در ذیل حکومت رییس‌جمهور غنی را می‌پذیرند و نه جناح‌های متعلق به حوزه‌ی جمهوری اسلامی افغانستان، غلبه‌ی سیاسی طالبان در نظم پس از توافق سیاسی را برمی‌تابند.

اکنون پرسش این است که چرا طالبان از سخن گفتن در رد یا تأیید حکومت موقت طفره می‌روند؟ واقع این است که این طفره‌روی تاکتیکی در راستای ایستادگی و تعیین‌کردن حداکثر مطالبات و اهداف صورت می‌گیرد. طبیعی است که طالبان مطالبات حداکثری مطرح کنند و سپس در جریان پروسه و چانه‌زنی، به‌عنوان امتیازدهی به طرف مقابل در برابر دریافت امتیازاتی از آن‌ها، به حد معقول مطالبات‌شان عقب‌نشینی کنند. این معمول‌ترین تاکتیک در مذاکرات سیاسی است. به‌نظر می‌رسد طالبان غلبه‌ی سیاسی و نظامی بر نظام قانون اساسی را به‌عنوان مطالبات حداکثری در مذاکرات مطرح می‌کنند —که تا کنون چنین کرده‌اند- و سپس در جریان مذاکرات تا برپایی حکومت موقت، تعدیل قانون اساسی و شکل‌گیری یک نظم و دولت فراگیر و همه‌شمول به‌عنوان راه‌حل میانه عقب‌نشینی می‌کنند. اتکا به طفره‌رفتن طالبان از ورود به بحث حکومت موقت به‌عنوان مستمسکی که وجود گزینه‌ی حکومت موقت در پروسه را نفی کند، تفسیر قدری نیست.



اطلاعات روز: شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان می‌گویند که گروه طالبان تا کنون هیچ سخنی در مورد حکومت موقت مطرح نکرده است.

داکتر رسول طالب، عضو این هیأت دپروز (یک‌شنبه، ۱۲ دلو) در یک نشست آنلاین با خبرنگاران گفت که در آجنداهای مطرح‌شده هیچ موضوعی درباره‌ی حکومت موقت نیست.

غلام فاروق مجروح، عضو دیگر هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان نیز گفت که طالبان نیز ۲۲ مورد را برای آجندای مذاکرات پیشنهاد کرده‌اند که نظام اسلامی و زعامت موارد مهم پیشنهادات طالبان است. او تأکید کرد که هیأت طالبان تا کنون تعریفی از نوع نظام آینده ارائه نکرده‌اند.

در روزهای گذشته بحث حکومت موقت در رسانه‌ها مطرح بوده است. مقام‌های ارشد دولت افغانستان به طرح حکومت موقت واکنش نشان داده‌اند.

ارگ ریاست‌جمهوری گفته است که دوره‌ی کار رییس‌جمهور را قانون اساسی تعیین کرده و رییس‌جمهور غنی قدرت را به کسی می‌سپارد که براساس آرای مردم انتخاب شده باشد.

حمدالله محب، مشاور امنیت ملی رییس‌جمهور غنی نیز گفته است که تشکیل «حکومت موقت» در افغانستان به معنای ایجاد فرصت دایمی برای مداخله‌ی کشورهای خارجی است.

از سوی هم، داکتر رسول طالب گفت که هیچ دلیلی برای تأخیر در آغاز مذاکرات وجود ندارد، بلکه هیأت مذاکره‌کننده‌ی گروه طالبان شجاعت و غیرت صلح کردن ندارد. او گفت آنچه که از سوی طالبان مطرح شده، همه بهانه است.

به گفته‌ی او، ممکن اعضای هیأت طالبان خارج از میز مذاکره مطالبی را مطرح کنند که تمام آن جنبه‌ی تبلیغاتی دارد و تلاشی است برای انحراف افکار عامه.

ظاهرا اشاره‌ی طالب به سخنان چند روز پیش شیرمحمد عباس استانکزی، معاون سیاسی دفتر طالبان در مسکو بود. استانکزی در یک نشست خبری در مسکو گفته بود که اشرف غنی مانع صلح است و به هیأت مذاکره‌کننده‌ی حکومت صلاحیت کافی برای مذاکره نداده است.

به گفته‌ی رسول طالب، میان اظهارات و اقدامات عملی طالبان دوگانگی وجود دارد و این دوگانگی باید از سوی این گروه برطرف شود. او گفت: «آنان [طالبان] در دفاع از مسایلی که مطرح می‌کنند، در مقابل هیأت ما در میز مذاکره با مشکل مواجه هستند.»

این عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان همچنان گفت که طالبان میز مذاکره را رها کرده و با سفر به کشورهای دیگر برای دریافت دیدگاه‌های آنان، بهانه‌های غیرموجه و غیرقابل قبول را پیش می‌کشد. آقای طالب تأکید کرد که گاهی اگر طالبان مذاکره را قطع می‌کنند، بیان‌کننده‌ی موقف بلندتر این گروه نیست و تا زمانی که یافتن راه‌حل برای جنگ افغانستان از طریق

خبرهای داخلی

اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان:

طالبان هیچ سخنی درباره‌ی حکومت موقت نزده‌اند

گفت‌وگو را به‌عنوان یک واقعیت نپذیرند، در عمل‌کردشان نوسانات وجود خواهد داشت. او در عین حال گفت که تا کنون مذاکره به بُنیست نرسیده، بلکه دچار رکود و وقفه شده است. به گفته‌ی او، دلیل این وقفه طالبان هستند، درحالی که هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی به جلوگیری از ضایع شدن فرصت برای حل مشکل افغانستان تأکید دارد.

شریفه زرمتی وردک، عضو دیگر هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان گفت که بدون مذاکره، کشورهای دیگر مشکل افغانستان را حل نمی‌کنند. خانم زرمتی همچنان گفت که در حال حاضر روی آتش‌بس اجماع وجود دارد. او ابراز امیدواری کرد که طالبان نیز این موضوع را بپذیرند و هرچه زودتر به میز مذاکره حاضر شوند. او گفت: «آتش‌بس اولویت اساسی در آجندای پیشنهادی ما بوده است. هر نوع مشوره از سوی مردم صورت بگیرد ما طبق آن عمل می‌کنیم. منتظر هستیم که جانب مقابل [طالبان] به جلسات حاضر شوند.»

غلام فاروق مجروح نیز گفت که هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان ۲۸ مورد را زیر شش عنوان برای آجندای مذاکرات پیشنهاد کرده است.

به گفته‌ی او، قطع جنگ و خون‌ریزی، آتش‌بس و مشارکت سیاسی عادلانه که نظام افغانستان آینه‌ی تمام‌نمای مردم افغانستان باشد و همه در آن احساس آرامش کنند، موضوعات اساسی هیأت جمهوری اسلامی افغانستان است.

اصابت هاوان‌های طالبان در بازار المار فاریاب؛ دو نفر کشته و ۱۴ نفر زخمی شدند

آقای یورش افزود که چندین دکان نیز در نتیجه‌ی برخورد این هاوان‌ها آسیب دیده است. او گفت که طالبان این هاوان‌ها را به‌خاطر آماج‌قراردادن نیروهای امنیتی پرتاب کرده بودند، اما هاوان‌ها در داخل بازار اصابت کرده است. گروه طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته است. ولایت فاریاب در شمال کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان طالبان در بخش‌هایی از این ولایت از جمله ولسوالی المار حضور و فعالیت دارند. این گروه اخیرا به حملاتش در این ولایت شدت بخشیده است.

نمایندگی‌های سیاسی مقیم در کابل:

حملات هدفمند طالبان به ایجاد محیط ناامن کمک می‌کند

کشور مقتدر، متحد و دموکراتیک باشد، اند. در اعلامیه همچنان تأکید شده است که در نتیجه‌ی این توافق سیاسی، افغانستان در داخل و با همسایگانش باید در صلح باشد و از حقوق بشر، انکشاف و دستاوردهای دو دهه‌ی اخیر حفاظت شود.

وزارت امور خارجه‌ی کشور از این اعلامیه‌ی مشترک نمایندگی‌های سیاسی این سازمان‌ها و کشورها در کابل استقبال کرده است.

وزارت امور خارجه با نشر اعلامیه‌ای گفته است که دولت افغانستان برای تأمین آتش‌بس، قطع خشونت‌ها و برقراری صلح پایدار تعهد اساسی دارد و تمامی اقدامات لازم برای رسیدن به این هدف را انجام داده است.

در اعلامیه آمده است که افغانستان از کمک‌ها و همکاری‌های کشورهای حامی روند صلح و دولت جمهوری اسلامی افغانستان قدردانی می‌کند.

ام‌الله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری نیز از این اعلامیه‌ی مشترک استقبال کرده و گفته است که «تروریست‌های طالبان باید بدانند که سال ۱۹۹۶ نیست.»

<div><div> </div></div>	ادامه‌یادداشت‌روز	<div><div> </div></div>
---	--------------------------	---

همین طور، شریفه زرمتی وردک در واکنش به اظهارات شیرمحمد عباس استانکزی در مورد استعفای رییس‌جمهور غنی گفت که آقای غنی کرسی ریاست‌جمهوری را از طریق انتخابات به‌دست آورده است.

داکتر رسول طالب در پاسخ به پرسش اطلاعات روز در مورد پیش‌شرط طالبان برای رهایی زندانیان این گروه گفت: «طالبان رهایی زندانیان خود را از امریکا می‌خواهند ولی به ما ارتباط ندارد. طالبان رهایی زندانیان خود را در آجندای مذاکره مطرح نکرده‌اند.»

او در حال تأکید کرد که پیش‌شرط گذاشتن برای مذاکره مشکل را نه تنها که حل نمی‌کند، بلکه بیشتر می‌کند.

طالب گفت: «ما توقع داشتیم که اگر بحث رهایی زندانیان مهم می‌بود، طالبان باید در آجندا شامل می‌کرد. ما آمادگی بحث روی تمام مسایلی که وجود دارد، را داریم. راه‌حل منطقی این است که ما و طالبان مسایل را مطرح کرده و روی آن گفت‌وگو کنیم.»

مذاکرات بین‌الافغانی در ۲۲ سنبله سال جاری میان هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان در دوحه آغاز شد. این مذاکرات پس از توافق روی طرز‌العمل آن به‌منظور مشورت‌های بیشتر روی آجندای آن موقتا متوقف شد. دور دوم مذاکرات در شانزدهم جدی از سر گرفته شد.

هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان می‌گوید که هیأت طالبان از مدتی به این طرف آماده‌ی برگزاری نشست عمومی نشده است

در چند ماه اخیر، حملات هدفمند بر خبرنگاران، فعالان نهادهای جامعه‌ی مدنی، کارمندان غیرنظامی دولت به‌گونه‌ی بی‌پیشینه افزایش یافته است. دولت افغانستان نیز گروه طالبان مسئول این حملات خوانده بودند. اما گروه طالبان دست‌داشتن در این حملات را رد کرده‌اند. از سویی هم، این کشورها و سازمان‌ها درحالی بر توقف خشونت‌ها همزمان با گفت‌وگوهای صلح تأکید می‌کنند که هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دو طرف در شهر دوحه، پایتخت قطر برای انجام مذاکرات حضور دارند.

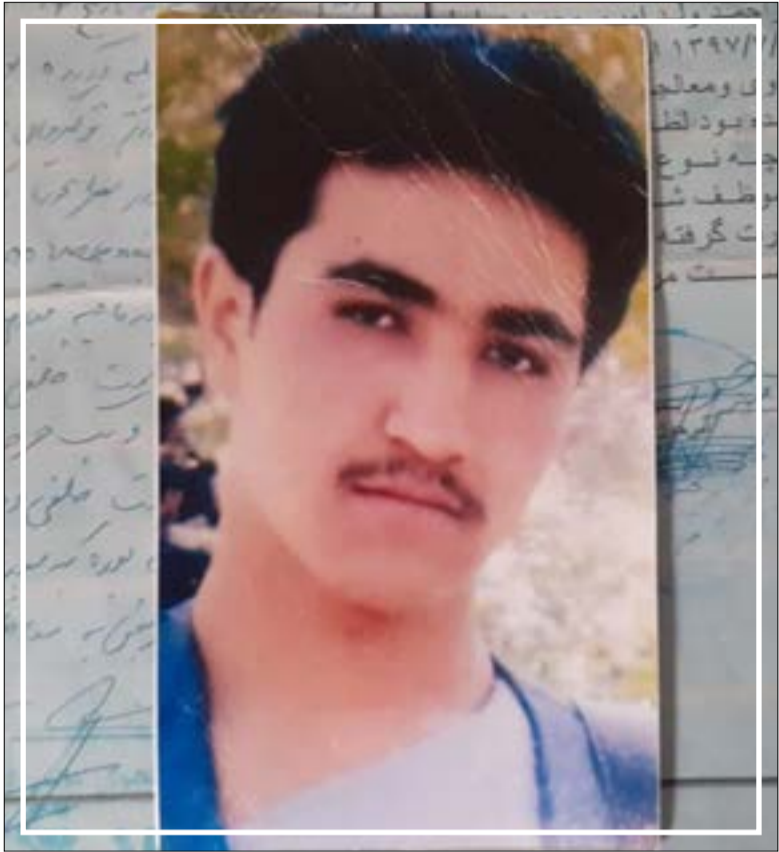
هفته‌ی گذشته، نادر نادری، سخن‌گوی هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان گفته بود که هیأت مذاکره‌کننده‌ی گروه طالبان چندین روز است که آماده‌ی برگزاری نشست رسمی و بحث برای ختم جنگ نشده است.

ناجیه انوری، سخن‌گوی وزارت دولت در امور صلح نیز دو روز پیش گفته است که جانب طالبان هنوز آماده‌ی نشستن به میز مذاکره با هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان نیست.

کاهش میزان ابتلا به کرونا؛ ۲۴ مریض جدید در یک شبانه‌روز گذشته شناسایی شدند

براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته چهار مورد مرگ ناشی از کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، نیمروز و خوست به ثبت رسیده است. شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مرضی کووید۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۴۰۴ نفر رسیده است.

همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۷۰ مریض کووید۱۹ در ولایت‌های کابل، قندهار، بلخ، ننگرهار، تخار، بغلان، بدخشان، لغمان، فاریاب، خوست و زابل بهبود یافته‌اند. به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۷ هزار و ۶۷۹ نفر افزایش یافته است.



دادخواهی ۲۸ ماهه‌ی پدر برای پسر

پرونده‌ی قتل ۵۰۰ صفحه‌ای که بدون عدالت قطور شده است

امید می‌ایستند، عبدالحی با تفنگچه‌اش از دکان بیرون می‌شود و با آن‌ها درگیر می‌شود. در این هنگام نوراحمد فرار می‌کند و عبدالحی حین تعقیب از پشت به او شلیک می‌کند. بعد به امید می‌گوید که دست‌های حیدر را بسته کند و خودش به‌دنبال نوراحمد می‌دود و دوباره دو شلیک می‌کند. بعدا عبدالحی با امید، حیدر را با دست‌های بسته کنار نوراحمد که زخمی روی زمین افتاده بوده، می‌آورند و با لگد به سر و صورت او می‌زنند. بعدا پولیس به محل رویداد می‌رسد و عبدالحی، امید و حیدر را بازداشت می‌کند.

دادستان پرونده در صورت دعوی خود گفته است که عبدالحی و امید در قتل نوراحمد دست داشته و به دلایل زیر جرم‌شان ثابت شده است: تهدید امید از سوی نوراحمد قبل از قتلش؛ اعتراف متهمان مبنی بر حضورشان در محل قتل و فرار نوراحمد از محل رویداد و تعقیب وی توسط عبدالحی و امید؛ اظهارات حیدر مبنی بر شلیک عبدالحی به نوراحمد؛ گزارش طب عدلی مبنی بر کشته‌شدن نوراحمد توسط اسلحه؛ گرفتاری متهمان از محل قتل؛ شراکت حیدر با نوراحمد در تهدید امید و خانواده‌اش و قرارگذاشتن با نوید در روز واقعه.

دادگاه ابتدایی

دادگاه ابتدایی که در ۲۱ حوت ۱۳۹۷ برگزار شده، عبدالحی پدر ۵۲ ساله‌ی امید را به ۱۶ سال حبس تنفیذی محکوم کرده، پسرش امید را برائت داده و حیدر ۱۹ ساله را به جرم تهدید امید، به یک سال حبس تنفیذی محکوم کرده است.

دادگاه دوم یا استیناف

به‌دلیل عدم قناعت ولی مقتول و اعتراض دادستان به حکم دادگاه ابتدایی، پرونده‌ی قتل نوراحمد به دادگاه استیناف کابل فرستاده می‌شود. این دادگاه در اول اسد ۱۳۹۸ برگزار می‌شود و به جز تعدیل حبس عبدالحی از ۱۶ سال به ۱۰ سال، حکم دادگاه ابتدایی را در مورد امید و حیدر تأیید می‌کند. امید برائت می‌گیرد، حیدر به جرم تهدید امید، به یک سال حبس محکوم می‌شود. به علت اعتراض دادستان فرجام‌خواه، دیوان

اما دادگاه‌های ثلاثه فقط عبدالحی را محکوم به حبس کرده و امید را برائت داده است. همچنین بر پایه‌ی استدلال دادستان، حیدر متهم دیگر به‌خاطر تهدید امید و خانواده‌اش مرتکب جرم شده اما دادگاه با بریدن یک سال حبس برای او، جزایش را تخفیف داده است. طبق فرجام‌خواهی دادستان، دادگاه عالی پرونده این قتل را به دادگاه استیناف میدان وردک به‌عنوان دادگاه مماثل می‌سپارد. این دادگاه اما عبدالحی و امید دو متهم اصلی را برائت می‌دهد. از آن‌جایی که دادستان حکم دادگاه‌های قبلی به‌ویژه دادگاه تمیز را نپذیرفته و درخواست جزای بیشتر برای متهمان کرده، زمانی که دادگاه مماثل متهمان را برائت داده، دادستان براساس ماده ۲۸۳ قانون اجراء جزایی باید درخواست تجدید نظر می‌داد ولی این کار را نکرده و تلاش‌های ولی مقتول هم به‌جایی نرسیده است. حالا امیرمحمد رضایی پدر مقتول حکم این دادگاه را کاملاً ناعادلانه و غیرقانونی می‌خواند و می‌گوید که دادستانی کل هم به درخواست او برای تجدیدنظر واقعی نمی‌گذارد.

پس از تماس‌های مکرر و چهار روز انتظار برای دریافت پاسخ دادستانی کل، این اداره پاسخی به پرسش‌های خبرنگار اطلاعات روز در مورد این پرونده ارائه نکرد.

شرح قضیه

براساس پرونده‌ای که دادستانی ترتیب داده، نوراحمد چند روز قبل از قتلش، از امید زمانی که از باشگاه بیرون می‌شده، خواسته که نواسه‌های یکی از سرمایه‌داران دشت برچی را که شاگرد امید بوده، به نزد او بیاورد و در غیر این او و خانواده‌اش را می‌کشد. امید مسأله‌ی تهدید نوراحمد را با پدرش عبدالحی در میان می‌گذارد. پدرش به او می‌گوید که در تماس تلفنی بعدی، با شخص تهدیدکننده قرار حضوری بگذارد. ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه‌ی عصر روز ۲۸ میزان ۱۳۹۷، امید همراه با پدرش عبدالحی برای دیدار با نوراحمد به سمت محل قرار، «سرک ۲۰ متره» دشت برچی حرکت می‌کنند. پدر در نزدیکی محل در یک دکان خوراکی‌فروشی می‌نشیند و پسر در کنار جاده منتظر نوراحمد می‌ایستد. زمانی که نوراحمد با فرد همراهش حیدر روی موتورسیکلت جلوی

عابر شایگان

گزارشگر

امیرمحمد پدری ۶۲ ساله با پرونده‌ی ۵۰۰ صفحه‌ای قتل پسر ۲۱ ساله‌اش نوراحمد، یک هفته قبل پالاپال به دفتر روزنامه اطلاعات روز آمده بود. آخرین روزنه‌ی امید برای دادخواهی و تأمین عدالت برای پسر مقتولش. تلاش‌های دو سال و چهار ماه او در نهاد‌های عدلی و قضایی برای محاکمه‌ی عادلانه‌ی عاملان قتل پسرش بی‌سرانجام مانده است. دادگاه چهارم که چند ماه قبل برگزار شده، دو متهم اصلی را برائت داده است. دادستان پرونده که براساس قانون باید درخواست تجدید نظر می‌داد، حکم این دادگاه را پذیرفته است و از آن پس تلاش‌های پدر برای درخواست تجدیدنظر در دادستانی کل هم نتیجه ندهاده است.

امیرمحمد در ۲۸ میزان ۱۳۹۷ زمانی که در صف رای‌دهی انتخابات پارلمانی بود، خبر قتل پسرش را شنید. از آن زمان تا حالا ۲۸ ماه پیوسته برای فرزند مقتولش دادخواهی کرده است اما در نهایت دادگاه چهارم (مماثل) برخلاف حکم سه دادگاه قبلی، متهمان را برائت داده است. او می‌گوید که به‌جای توسل به دستگاه عدلی و قضایی دولت، خودش می‌توانست با قاتلان پسرش با اقدام مشابه، تسویه حساب کند اما قانون را ترجیح داده است، قانون اما عادلانه اجرا نشده است.

در قضیه قتل نوراحمد پسر امیرمحمد، سه نفر متهم‌اند. یک پدر ۵۲ ساله با پسر ۱۹ ساله‌اش، و یک جوان ۱۹ ساله‌ی دیگر که دادستانی گفته دوست و همدست نوراحمد بوده و این پسر و پدر و خانواده‌اش را قبلاً تهدید می‌کرده‌اند.

در سه دادگاه قبلی، دادگاه ابتدایی، دادگاه استیناف و دادگاه تمیز، یکی از متهمان (پدر ۵۲ ساله) به ترتیب به ۱۶، ۱۰ و ۱۲ سال حبس محکوم شده بود و پسرش برائت گرفته بود و متهم دیگر به یک سال زندان محکوم شده بود.

بعد از برگزاری دادگاه تمیز، دادستان به حکم این دادگاه قناعت نکرده و درخواست فرجام‌خواهی داده است. در درخواست تجدیدنظر دادستان آمده است که در قضیه قتل عمده نوراحمد، عبدالحی (اسم مستعار) و امید (اسم مستعار) هر دو دست داشته‌اند

فاطمه فرامرزی

گزارشگر

از زمان دولت بیل کلینتون حدود ۲۰ سال است که انستیتیوت صلح ایالات متحده بعد از تغییر دولت در هر چهار سال میزبان برنامه‌ی واگذاری باتوم است. واگذاری باتوم که جزئی از تغییر نظام و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در ایالات متحده است، اکنون تبدیل به یک سنت شده است؛ طوری‌که مشاور امنیت ملی دولت قبلی باتوم را به جانشین خود در دولت کنونی واگذار می‌کند. واگذاری باتوم در عمل شریک‌کردن تمام تهدیدها و نگرانی‌های امنیتی است که دولت قبلی و مشاور امنیت ملی با آن درگیر بوده و هنوز هم باید در اولویت باشد.

به باور لیز گرندی، رییس اجرایی انستیتیوت صلح ایالات متحده، واگذاری باتوم دارای یک پیام است و این پیام این است که امنیت ایالات متحده نمی‌تواند توسط یک فرد یا یک دولت تأمین شود، بلکه مبارزه با این تهدیدات و مصون‌ساختن زندگی باشندگان ایالات متحده نیاز به همکاری‌های مشترک افراد متخصص مسئول در دوره‌های مختلف دارد. به گفته‌ی خانم گرندی حکومت‌داری خوب، بردباری، عدالت، همه‌شمولی، برابری، انصاف همه از مشخصات اصول دموکراتیک و قطعات اصلی صلح پایدار است: «ما در ته دل باور داریم که حمایت از صلح در بیرون از کشور با آرامش در درون کشور آغاز می‌شود.»

طبق روال معمول در ۲۰ سال گذشته، انستیتیوت صلح ایالات متحده به تاریخ ۲۹ جنوری میزبان واگذاری باتوم از مشاور امنیت دولت قبلی به مشاور امنیت دولت کنونی بود. در این برنامه که توسط کاندولیزا رایس،

جزای عمومی دادگاه عالی حکم دادگاه استیناف را «به نسبت خطا در تأویل احکام قانون» نقض می‌کند و دستور به برگزاری دادگاه سوم (دادگاه تمیز) می‌دهد.

دادگاه سوم یا تمیز

دادگاه استیناف کابل (تمیز) که دوباره در ۲۳ قوس ۱۳۹۹ برگزار شده، مدت حبس عبدالحی را از ۱۰ سال به ۱۲ سال حبس تنفیذی افزایش داده و در باقی موارد، حکم دادگاه استیناف (دادگاه دوم) را تأیید کرده است.

دادستان پرونده بار دیگر به حکم این دادگاه قناعت نکرده و بر اثر فرجام‌خواهی او، پرونده به دیوان جزای عمومی دادگاه عالی محول شده است. این دیوان در ۲۷ دلو ۱۳۹۸، حکم دادگاه استیناف (دادگاه سوم یا تمیز) را به علت «خطا در تطبیق قانون» و اصرار بدون دلیل بر حکم منقضی قبلی، نقض کرده و پرونده را برای حکم قانونی و عادلانه به دادگاه استیناف ولایت میدان وردک فرستاده است. در درخواست تجدیدنظر دادستان آمده است که در قضیه‌ی قتل عمده نوراحمد، عبدالحی و امید هر دو دست داشته‌اند اما دادگاه‌های قبلی

و همچنان حمایت از جهادی‌های القاعده در بیرون از تهران و تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی، همه معنای بارز حمایت از تروریسم است.

طوری‌که مشاور امنیت ملی دولت ترمپ می‌گفت، روسیه می‌تواند تهدید بعدی به امنیت ملی ایالات متحده باشد: «هرچند که روسیه اقتصاد کلان و قدرتمند نیست و در وضعیت مناسبت دموگرافیکی قرار ندارد اما این کمبودی را با گسترش صنعت تولید اسلحه پیشرفته جبران می‌کند تا اقتصاد را با جمعیت متوازن کند.»

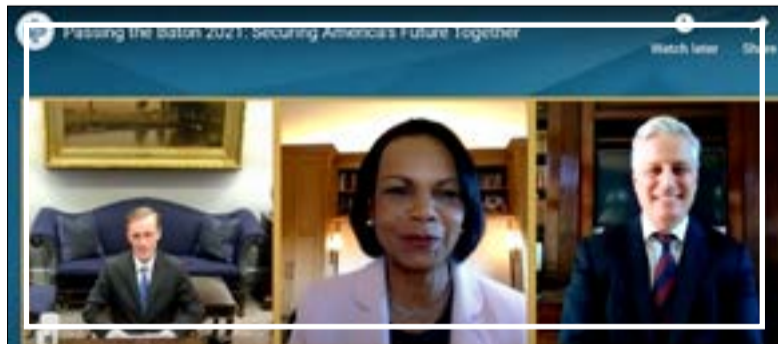
براساس سخنان آقای اوبراین نحوه درگیر شدن روسیه در جنگ نیز به شعبده‌بازی می‌ماند و طوری‌که روسیه در جنگ سوریه عمل می‌کند، شیدایی است که ممکن پیامد آن متوجه امنیت ملی ایالات متحده باشد.

جرایم سازمان‌یافته فراملیتی توسط کارتل‌ها که با پاندمی کووید۱۹ شرایط مبارزه را سخت‌تر کرده است، یکی دیگر از تهدیدهای امنیتی است که مشاور دولت ترمپ درباره آن به مشاور امنیتی دولت بایدن هشدار داده است. چنانچه خود مشاور امنیت ملی دولت ترمپ گفت: «جرایم سازمان‌یافته فراملیتی مانند قاچاق انسان و مواد مخدر تهدیدات جدی در برابر امنیت ملی ایالات متحده است. مثلاً کارتل پی‌سی‌سی در برزیل به‌نظر می‌رسد که فراتر از قلمرو برزیل عمل کند و همین‌طور کارتل دیگری در مکزیکوست که همه با قاچاق مواد مخدر تهدیدی برای امنیت ایالات متحده محسوب می‌شود.»

در همین حال جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی دولت بایدن که در خصوص چالش‌های امنیتی کنونی ایالات متحده صحبت می‌کرد،

واگذاری باتوم ۲۰۲۱؛

مصونیت آینده امریکا



برای ایالات متحده تبدیل شده است و تا چند نسل ادامه خواهد داشت. به باور آقای اوبراین، چین به یک مهاجم نشنلیستی در برابر تایوان، هانگ‌کنگ و ... تبدیل شده است. وی به نقل از پومپئو گفت که در چین یک نسل‌کشی جریان دارد که این کشور را به دارنده‌ی دیپلماسی جنگ‌افروزی بدل کرده است.

بر بنیاد سخنان آقای اوبراین چین همین‌طور در انترکنیکا و اتلانتیک جنوبی نیز فعالیت‌های تهاجمی دارد و این فعالیت‌ها سبب می‌شود چین بزرگ‌ترین مسأله امنیتی برای ایالات متحده امریکا باشد و ایالات متحده به یک اجماع و همکاری دوحزبی نیاز دارد تا با این مسأله برخورد کند.

ایران تهدید یا باتوم بعدی است، چون روزه‌روز به تمویل و حمایت تروریسم می‌افزاید و کاری که در سوریه، یمن، عراق غزه و لبنان می‌کند

مشاور امنیت ملی حکومت جورج دبلیو بوش گرداندگی می‌شد، رابرت اوبراین، مشاور امنیت ملی حکومت ترمپ در مورد باتوم‌های گفت که آن را به جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی دولت بایدن واگذار کرده است. این برنامه اسمال با تمرکز به این‌که امنیت ملی آینده امریکا فرصتی برای تأکید و تأمل در مورد اهمیت ایستادن متحدانه در برابر تهدیدات صلح و امنیت جهانی را فراهم می‌کند و ریشه در تعهد امریکا به انتقال صلح‌آمیز قدرت دارد، برگزار شد.

آقای اوبراین گفت واگذاری باتوم توسط او به آقای سالیوان از مدت‌ها قبل شروع شده و تمام مراحل انتقال را شامل خواهد شد. اولین و مهم‌ترین باتومی که مشاور امنیتی دولت ترمپ به مشاور امنیتی بایدن واگذار کرده، چین است که به چالش جیوپلیتیکی شماره‌یک

گفت وقتی که او در مورد سوالات بنیادی و برجسته‌ترین تهدیدات امنیتی که ایالات متحده با آن روبه‌رو است فکر می‌کند، این است که در ایالات متحده سیاست ملی سیاست خارجی است و سیاست خارجی هم سیاست داخلی است و اما در نهایت چیزی‌که اولویت دارد، چالش‌های است که در درون کشور یا آن مواجهند.

به باور آقای سالیوان عمده‌ترین چالش‌های امنیتی که ایالات متحده در حال حاضر با آن روبه‌روست، چالش‌های است که طبقه متوسط شهروندان ایالات متحده با آن مواجه است. پاندمی کووید۱۹ و بحران اقتصادی ناشی از آن یکی از این چالش‌هاست. بحران اقلیمی چالش دیگری است که طبقه متوسط امریکا با آن مواجه است.

مشاور امنیت ملی دولت بایدن گفت وقتی صحبت از اولویت و استراتژی است، برای او به‌عنوان مشاور امنیت ملی دولت جدید ایالات متحده، هردو مورد -اولویت و استراتژی- هردو در کنارهم قرار دارند و برای مبارزه با چالش‌ها نیاز است که دولت ایالات متحده خود را در موقعیتی قرار بدهد که بتواند بر مشکلاتی در سطح جهان با آن مواجه‌اند، فایق آید.

بر بنیاد سخنان آقای سالیوان اساس‌گذاری این موقعیت مناسب باید طوری باشد که بتواند برای مبارزه با تمام چالش‌های داخلی و آنچه که ایالات متحده در بیرون از کشور با آن مواجه است مانند چین و جرایم سازمان‌یافته فراملیتی خود را عیار کند. همین‌طور بحران اقلیمی، افزایش سلاح هسته‌ای، حملات سایبری و دوام انهدام زیرساخت‌های اقتصادی چالش‌های‌اند که امنیت ایالات متحده را به خطر می‌اندازند.

عبدالواحد حیدری

گزارشگر

عبدالباقی تازه نماز صبح را در یکی از مسجدهای شهر قندهار خوانده بود و هنوز از دروازه مسجد پا بیرون نگذاشته بود که تلفنش زنگ می‌خورد. شماره تماس احمدالله خواهرزاده‌اش روی صفحه‌ی تلفن ساده‌اش ظاهر می‌شود. احمدالله با صدای لرزان پیام کوتاهی را به مامایش می‌رساند: «اگر ایستاده‌ای حرکت کن! و اگر نشست‌های بلند شو! حرکت کن! زود بیا!»

زنگ‌های پی‌درپی احمدالله و اهالی روستای «سولفی» آتش به جان عبدالباقی می‌اندازد. زن و بچه‌هایش را سوار موتر کرده و به‌سوی ولسوالی ژیری حرکت می‌کند. هر چند دقیقه بعد تماسی از اقارب و همسایگان خود دریافت کرده و پیام مشابهی را دریافت می‌کند: «کجایی؟ زود بیا!» اما هیچ کس نمی‌گوید که چه اتفاقی افتاده است و این بیشتر عبدالباقی را نگران و سراسیمه می‌کند. وقتی به میرویس مینه -قسمتی از شهر قندهار- می‌رسد، یکی از روستاییان برایش می‌گوید که باید تنها به روستا برود و زن و بچه‌اش را با خود نبرد.

در حدود یک ساعت، تقریباً همه‌ی اقارب و همسایگان به عبدالباقی تماس می‌گیرند اما از محمدموسا و محمدقاسم، برادرانش خبری نیست. به یاد نمی‌آورد که مسیر قندهار-ژیری را چگونه و در چند دقیقه طی کرده است اما وقتی به روستای «سولفی» از مربوطات منطقه‌ی «پاشمول» ولسوالی ژیری می‌رسد، می‌بیند که بر خانه‌اش باران مرگ باریده است: «خانه‌ی ما با خاک یکسان شده بود. مردم روستا تلاش می‌کرد که اعضای خانواده‌ام را از زیر آوارها بیرون بکشند.»

مردم بعد هر چند دقیقه جسد بی‌جان یک عضو خانواده‌ی عبدالباقی را از زیر آوارها بیرون می‌کشند. جسدهای بی‌جان محمدموسا برادر بزرگ خانواده، محمدقاسم برادر دیگر و جسدهای زن برادرها و دختران و پسران آن‌ها یکی پس از دیگری بیرون می‌کنند. عبدالباقی نمی‌تواند به صورت رنگ‌باخته‌ی محمدموسا، برادر بزرگش ببیند. گونه‌های کوچک و خاک‌آلود حسینه و چهره‌ی معصوم اما بی‌جان وصله دیگر توان ایستادن را از عبدالباقی می‌گیرد. هنوز مردم روستا همه‌ی اعضای خانواده را از زیر آوارها بیرون نکشیده بود که عبدالباقی از هوش می‌رود و روز بعد وقتی به هوش می‌آید، خود را روی تخت شفاخانه‌ی حوزوی میرویس در شهر قندهار می‌بیند: «هیچ کاری نمی‌توانستم.»

وقتی عبدالباقی با دیدن جسدهای اعضای خانواده‌اش از هوش می‌رود، مردم روستای «سولفی» ۱۰ عضو خانواده‌ی او را که بر اثر



باران مرگ

چگونه ۱۰ عضو خانواده عبدالباقی در جنگ ژیری قندهار کشته شدند؟

خانه‌شان بمباران شده است. او فقط چند دقیقه بعد از فرو ریختن خانه‌شان بیدار مانده و بعد بی‌هوش می‌شود. با طلوع آفتاب که مردم روستای به محل حادثه آمده و اجساد را از زیر آوار بیرون می‌کشند، متوجه می‌شود که قلب میرویس و صفورا هنوز ایستاد نشده است. میرویس به من گفت که فردای آن شب در کلینیک منطقه‌شان به هوش آمده است.

عبدالباقی و برادر کوچک‌ترش غلام‌فاروق که در آن شب با زنان و فرزندان‌شان برای تداوی به شهر قندهار رفته بوده، در حادثه بمباران خانه‌شان جان سالم به‌در برده‌اند. در آن شب جابر احمد پسر ۷ ساله محمدقاسم و ظاهر پسر ۲ ساله محمدموسا هم با عبدالباقی به شهر قندهار آمده بوده و زنده مانده‌اند. پدر عبدالباقی هم چند سال پیش در ژیری کشته شده است و مادرش هم آن شب به خانه دخترش در قندهار رفته بوده که زنده مانده است.

در آن شب چندین خانه‌ی دیگر هم مثل خانه‌ی عبدالباقی بمبارد شده‌اند که داستان‌شان مشابه است. عبدالباقی گفت: «بسیار زیاد مردم شهید شدند تنها خانواده ما شهید نشد. از آشنایان ما مردم زیاد شهید شده. کدامش را برایت بگویم. از اقارب ما یک جوان را به اسم حاجی شیرمحمد در انفجار مابین کشته شد.»

محمدابراهیم امیری، خواهرزاده عبدالباقی که در روستای دیگر زندگی می‌کند چشم‌دیدهایش را برابیم قصه کرد: «آن شب من در آن‌جا نبودم چون خانه ما از آن‌ها دور است. فرمایش مردم می‌گفت در آن شب که نیروهای دولتی عملیات پاکسازی را آغاز می‌کنند، طالبان از خانه‌های مردم به‌سوی آنها شلیک می‌کنند که طیاره می‌آید و چندین خانه را بمبارد می‌کند. حدوداً بیشتر از پنجاه نفر در آن شب کشته شده‌اند.»

قربانی مابین طالب و بمب دولت

بی‌جاشدگان شکایت دارند که در جنگ از هر دو طرف آسیب دیده‌اند. به گفته‌ی آن‌ها، از یک طرف وقتی طالبان کنترل مناطق را به‌دست می‌گیرند، خانه‌های مردم را سنگر ساخته و از آن‌جا با دولت به جنگ می‌پردازند. راه‌های ارتباطی را مابین فرش می‌کنند، خندق‌ها و سوراخ‌های زیرزمینی ایجاد می‌کنند.

در سوی دیگر قضیه، بی‌جاشدگان از بمباران هوایی و هواوان‌های دولت هم شکایت می‌کنند. زنان و کودکان همسایه‌ی عبدالباقی توسط یک فیر هواوان دولت کشته شده‌اند. او گفت: «همسایه‌ی ما چهار برادر بود. از طرف صبح وقتی برادران به قصد کشت و دهقانی از خانه بیرون می‌شوند، زنان و بچه‌های‌شان حدود ساعت ده قبل‌ازظهر جمع می‌شوند تا چای صبح را بنوشند. یک فیر اوآن حکومت در میان آن‌ها اصابت کرده و همه زنان و کودکان چهار

«وقتی طیاره بی‌سرنشین می‌خواست به پاسگاه طالبان را که در کنار خانه ما قرار دارد، بمباران کند، خطا کرده به خانه‌ی ما می‌خورد.»

این بمب جان ده عضو خانواده به‌شمول دو برادر، خانم‌های برادران و شش برادرزاده عبدالباقی را گرفت. در یک اتاق محمدموسا ۵۰ ساله با ماه‌گل خامش و سه فرزندشان نادر ۱۴ ساله، داوود ۱۰ ساله و حسینه ۵ ساله کشته شده و در اتاق دیگر محمدقاسم ۴۵ ساله با زرغونه خامش و سه فرزندشان فاطمه ۸ ساله، وصیله ۶ ساله و خالداحمد ۲ ساله کشته شده‌اند.

در آن شب، میرویس ۱۲ ساله و صفورای پنج ساله فرزندان محمدموسا و محمدقاسم هم در خانه خواب بوده اما از این حادثه جان سالم به‌در برده‌اند. در قندهار من موفق شدم فقط با عبدالباقی از نزدیک صحبت کنم اما با میرویس از طریق تلفن صحبت کردم. میرویس پشت خط تلفن به پرسش‌هایم پاسخ می‌داد: «وقتی بمبارد شد، نصف خانه فروریخت و پدرم که نزدیک دروازه بود، شهید شد. من و برادرانم در گوشه‌ی دیگر خوابیده بودیم. دو برادر و یک خواهرم شهید شدند و من زنده ماندم. در زیر آوار گیر کرده بودم و احساس می‌کردم که پاهایم خشک شده است. همه زیر خاک شده بودند.»

میرویس گفت که حدود ساعت یک شب

از آن قصه می‌کنند، وحشتناک است. روایت خانواده عبدالباقی شاید بخش کوچکی از این خسارات جانی را تشکیل بدهد.

عبدالباقی به من گفت وقتی حدود سه ماه پیش جنگ‌جویان گروه طالبان حملات خود را بر منطقه‌ی آن‌ها آغاز کرد، نیروهای پولیس و امنیت ملی بدون درگیری با جنگ‌جویان طالبان، منطقه را ترک کردند. جنگ‌جویان طالبان با تصرف منطقه‌ی «پاشمول» و روستای «سولفی» در مساجد جایجا شدند. عبدالباقی گفت که چرخبال‌های ارتش مساجدی را که طالبان در آن سنگر گرفته بود، بمباران کرد و شماری زیادی از جنگ‌جویان این گروه کشته شدند. طالبان بعد این بمباران روش دیگری را در پیش می‌گیرند: در خانه‌های مردم و به‌خصوص خانه‌های خالی جایجا شده و از آن به‌عنوان سنگر جنگ در مقابل نیروهای دولتی استفاده می‌کنند. از بخت بد، در کنار خانه‌ی عبدالباقی و برادرانش یک خانه‌ی خالی وجود داشته که تبدیل به سنگر طالبان شده بود.

نزدیک به سه ماه پیش، در همان اوایل جنگ یک شب جنگ شدیدی میان نیروهای دولتی و جنگ‌جویان طالب درمی‌گیرد. طالبان از نزدیک خانه‌ی عبدالباقی به‌سوی نیروهای دولتی شلیک می‌کنند. پهبادهای ارتش چندین بمب را بر مواضع جنگ‌جویان طالبان شلیک می‌کنند:

بمباردمان جنگنده‌های ارتش افغانستان کشته شده‌اند، در غیاب وی به خاک می‌سپارند. وقتی عبدالباقی به هوش می‌آید مستقیم به روستای خود رفته و در مراسم فاتحه‌ی عزیزانش اشتراک می‌کند.

ده عضو خانواده عبدالباقی چگونه کشته شدند؟

عبدالباقی ۴۷ ساله خود را روی کوچ پرس کلب (Press Club) قندهار راست کرد و ماجرای کشته‌شدن ۱۰ عضو خانواده‌اش از جنگ‌های اخیر قندهار آغاز کرد. حدود سه ماه پیش جنگ‌جویان گروه طالبان بعد از آن که حمله‌شان در ولایت هلمند از سوی نیروهای دولتی عقب زده شد، حملات گسترده‌ای را بر شماری از ولسوالی‌های قندهار از جمله ارغنداب، ژیری، پنجوایی و میوند آغاز کرد که در نتیجه بخش‌های از این ولسوالی‌ها به دست گروه طالبان افتادند.

کماندوهای ارتش و پولیس قندهار برای بازپس‌گیری این مناطق عملیات پاکسازی را روی دست گرفت. جنگ میان دو طرف در روستاهای این ولسوالی‌ها خانه به خانه جریان پیدا کرد. جنگ‌های اخیر خسارات میلیاردری بر باشندگان این مناطق وارد کرده است اما خسارات جانی این جنگ‌های که بی‌جاشدگان

با سماجت و سرسختی سرانجام آن دکترا را بگیرد. می‌توانید دو پا در یک کنش کنید و با عزم جزم رسیدن به مقام ریاست‌جمهوری کشورتان را هدف بگیرید (هدف شخصی) و حتا به این هدف برسید. اما نمی‌توانید در مقام رهبری یک جامعه سوگند سماجت بخورید. آن «به هر قیمتی که شده»ی فردی در عالم رهبری اجتماعی راه کامیابی را باز نمی‌کند، بل راه را برای دیکتاتوری و بیگانه‌ساختن مردم از حکومت هموار می‌سازد.

اشرف غنی یک «چیغ» یا غرش مشهور دارد که از آن برای نشان‌دادن انعطاف‌ناپذیری و کله‌شخی خود استفاده می‌کند. مثل شیر می‌غرد. مشکل در اینجاست که رهبر قرار نیست شیر باشد. غریدن برای شیر بد نیست، اما شیر پادشاه جنگل است و جامعه‌ی انسانی جنگل نیست.

به‌عنوان نمونه‌ی سماجت رخنه‌ناپذیر غنی، می‌توان استراتژی «اول پشتون‌ها، بعد دیگران» را او مثال آورد. غنی از همان آغاز نشستن بر مسند قدرت تا امروز فقط با یک مدل از توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در افغانستان کار کرده است. آن مدل رتبه‌بندی‌شده‌ی توسعه براساس اولویت‌های قومی است. در توزیع قدرت سیاسی، غنی اول خود را مطمئن می‌سازد که نهادهای اصلی قدرت در دست قبیله‌ی خودش قرار گرفته. آن وقت، از دُرد باقی‌مانده‌ی قدرت سهمی به دیگران نیز می‌بخشد. در توزیع منابع برای توسعه‌ی متوازن کشور، اول غم ولایت‌های «درجه اول» را می‌خورد که معمولاً

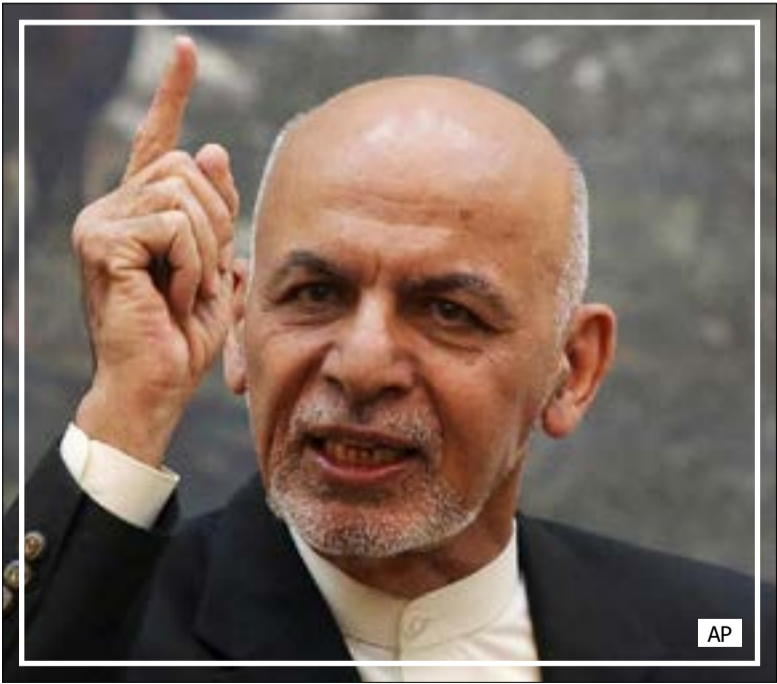
آیا اشرف غنی به‌عنوان یک فرد آدم کامیابی است؟ پاسخ این سوال مثبت است. آدمی از یک خاندان معمولی در لوگر بلند شود و پس از سال‌ها تلاش سخت و تحصیل در سطوح عالی و تدریس و کار در کشورهای دیگر به وطن خود برگردد و پس از یک سعی ناکام برای رسیدن به ریاست‌جمهوری دوباره بکوشد و سرانجام دو دوره رییس‌جمهور افغانستان شود. غنی موفق اندکی نیست. چه چیزی اشرف غنی را -به‌عنوان یک فرد- چنین کامیاب کرده است؟ حتما عوامل بسیاری را می‌توان فهرست کرد. اما در میان همه‌ی عوامل، بدون تردید سرسختی و سماجت خود او نقش بنیادی در کامیابی‌هایش داشته است. برای طی مسیری که او پیموده است، حتما به یک اراده‌ی آهنین نیاز است. او این اراده را دارد. آدمی است سختکوش و سمج.

با این همه، آیا می‌توان خصوصیات فردی لازم برای کامیابی را مستقیماً در رهبری یک جامعه نیز به کار بست؟

ناکامی غنی در رهبری افغانستان نشان می‌دهد که برای رهبری یک کشور نمی‌توان فقط بر خصوصیات تکیه کرد که در سطح فردی کارآمد هستند. برای رهبری اجتماعی باید خصوصیات کارگشای فردی را در ترکیبی کارساز با عوامل موثر در حیات جمعی همراه کرد. شما می‌توانید در سطح فردی با خود سوگند یاد کنید که تا در رشته‌ی انسان‌شناسی فرهنگی مدرک دکترا نگیرید، از پا نخواهید نشست. می‌توانید عبارت «به هر قیمتی که شده» را وارد زبان خود کنید و

غنی می‌توانست رهبر خوبی باشد

| سخیداد هاتف |



گله کرد که چرا تروریست‌های محبوس فقط گویندگان یک زبان هستند. وقتی که نتوانست در ولایت‌های درجه‌اول مورد نظر خود امنیت بیاورد، بی‌امنیتی را در سراسر افغانستان توزیع

مناطق پشتون‌نشین هستند. بعد پلی، سرکی و کلینیکی به دیگران نیز اعطا می‌کند. در عرصه‌ی امنیت، اشرف غنی از توازن قومی در جمعیت زندان‌ها سخن گفت و صریحاً

اشرف غنی یک «چیغ» یا غرش

مشهور دارد که از آن برای نشان‌دادن انعطاف‌ناپذیری و کله‌شخی خود استفاده می‌کند. مثل شیر می‌غرد. مشکل در اینجاست که رهبر قرار نیست شیر باشد. غریدن برای شیر بد نیست، اما شیر پادشاه جنگل است و جامعه‌ی انسانی جنگل نیست.

کرد. چون قرار بود اول قوم خودش امنیت داشته باشد و بعد دیگران، نه برعکس.

اندام‌های این سیاست «اول پشتون‌ها، بعد دیگران» رفته رفته در طول چند سال کاملاً مشخص و آفتابی شدند و همه‌ی مردم آن را به عیان دیدند. عدم رضایت مردم از رویکرد تبعیض‌آمیز حکومت غنی در برابر شهروندان هر روز گسترده‌تر شد. دو-سه جنبش نسبتاً گسترده‌ی اجتماعی در برابر این رویکرد تبعیض‌آمیز شکل گرفتند و به حکومت علامت دادند که این سیستم تبعیض‌گر باید اصلاح شود. پاسخی که اشرف غنی به این علامت‌های روشن داد، مایه‌ی بحث در این نوشته است:

اشرف غنی سوگند خورده بود که به همان روشی که در زندگی فردی خود عمل کرده

بنیادگرایی و سرنوشت تناقض بار یک نسل

خوانشی از رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها»، اثری از کاوه جبران

عباس اسدیان



آن‌ها ممنوع است و هیچ‌کسی اجازه ندارد در آن‌ها سروکار داشته باشد. مثلاً کسی حق ندارد بخندد، زیرا خنده را به «بی‌غیرتی» تأویل می‌کنند. کسی اجازه‌ی استفاده کردن از آیین را ندارد. کسی زن را ندیده است. از زن همچون موجود اغواگر، کماکان هیولاصفت و دست‌نیافتنی نام برده می‌شود. آدم‌ها باید شاهکار کرده باشد تا در طول عمرشان یکبار زن را دیده باشد. اما با این‌حال، هرآنچه که در این دوره به آدم‌ها کمک کند تا آن‌ها به واسطه آن خودشان را بهتر بشناسند، ممنوع است. آیینی یکی از آن چیزهایی است که کسی اجازه‌ی استفاده از آن را ندارد و داشتن آیینی گناه عظیم محسوب می‌شود. کسانی که از آیین استفاده می‌کنند در واقع یک قانون ماورایی را نقض کرده‌اند. چون کارهایی که صورت می‌گیرد و نشانه‌ها و نمادهایی که وجود دارد همگی تأویل دینی می‌شوند. در واقع، پشت‌سر همه‌ی اعمال‌شان توجیه دینی نهفته است.

اما با این‌حال و با وجودی حکم‌فرمایی چنین وضعیت فلاکت‌بار که حتا آدم‌ها اجازه ندارند بدون مراجعه به روزنامه‌چهره‌ی جزئی‌ترین امورات زندگی‌شان را سرورسامان بدهند، شادی و غرور کاذب در جامعه وجود دارد. حذف کردن زنان از جامعه و زندگی نه‌تنها برای‌شان کاستی و عیب محسوب نمی‌شود بلکه به آن افتخار نیز می‌کنند... در این جامعه یک منبع و در واقع یک نیروی مرجع وجود دارد که نیکی و بدی همه‌چیز از درون آن و براساس تعیین نسبت با آن سنجیده می‌شود. این منبع و مرجع عبارت از «روزنامه‌چهره» است. حکم انجام‌دادن و ندادن هر عمل را از درون همین روزنامه‌چهره بیرون می‌کشند و تمام اسرار جهان درون همین روزنامه‌چهره وجود دارد. خلاصه همه‌چیز مشروعیت خودش را از درون روزنامه‌چهره به‌دست می‌آورد. این روزنامه‌چهره متن مقدس و دینی است. این روزنامه‌چهره می‌تواند همان «قرآن» باشد.

فضایی برای انتقاد

چگونه امکان نقد وضع موجود فراهم می‌شود؟ نقد زمانی ممکن می‌شود که کثرت‌گرایی در جامعه جایگاه داشته باشد. یعنی توانایی و تحمل شنیدن حرف از موضع مخالف وجود داشته باشد. اما در جوامع به‌شدت بسته و دینی نقد و نقادی به‌راحتی نمی‌تواند پا بگیرد. در این جوامع یک اعتماد به نفس همگانی و کاذب وجود دارد. همین امر باعث می‌شود که در کنار این‌که وضع خودشان را به‌مراتب بهتر از وضعیت دیگران بدانند به یک نیروی ماورایی و الهی نیز باور داشته باشد که آن نیرو صرفاً حامی و کمک‌رسان به این جامعه است و نه جوامع دیگر. برای همین می‌توان ادعا کرد که در این جوامع تفکر تئولوژیک حکومت می‌کند و به تفکر نقاد به هیچ‌وجه فرصت داده نمی‌شود. هایدگر این نقد را حتا بر تفکر غربی نیز وارد می‌کند. تمام تلاش هایدگر در صدهزار صفحه‌ای که نوشته بود نقد تفکر متافیزیکی و سنت فکری غرب بود. به باور هایدگر حداقل سه ویژگی عمده در تفکر غربی وجود دارد که یکی از آن‌ها تئولوژیک بودن این سنت فکری است. تئولوژیک بودن تفکر یا الهیاتی‌اندیشی باعث می‌شود ارزش چیزها در نسبت با یک موجود فرادست (خدا) سنجش شود. مشکل عمده این سنجش‌گری و این طرز تفکر در این است که آن موجود فرادست جایگاهی در زمین و هستی‌ای موجود ندارد.

رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها»، نوشته‌ی کاوه جبران را می‌توان رمانی با موضوع تاریخی قلمداد کرد. بی‌رنگ اصلی رمان را توضیح و کماکان نقد بنیادگرایی دینی شکل می‌دهد و به همین دلیل می‌شود ادعا کرد که این رمان مشابهت فراوان با رمان قبلی کاوه جبران (لوهاران) دارد. به‌رغم این‌که نمادگرایی در این دو اثر کاوه جبران بسیار پررنگ بوده و بنابراین فهم آن خیلی آسان نیست اما با این‌حال به باور من جبران در این دو اثر (با تأکید بیشتر بر روی اثر دومی) در قسمت نقد و به چالش کشیدن کلیشه‌ها - اعم از دینی و فرهنگی و اجتماعی - موفق عمل کرده است. اگر از اولین الزامات کار یک نویسنده آشکار کردن وضعیت را بدانیم می‌توان ادعا کرد که نویسنده «زندگی به سفارش پشه‌ها» در این کار موفق شده است.

زندگی‌ای متناقض

در صفحه‌های اول رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها» می‌خوانیم: «جوان بودم و به ناگاه پیر شدم. پس از ظهور پشه‌ها. پس از خوابی عمیق!» (ص ۷). بعد، در صفحه ۵۶ می‌خوانیم «دوباره فکرم تکیه می‌زند به رازی که در آیین بود. رازی که اگر گشوده می‌شد، جوانی گم‌شده‌ام را می‌یافت. اما آیینی همواره شمایل پیرمردی را می‌تاباند که سی‌واندی سال در خواب مانده است و اکنون در حسرت تماشای پیری تدریجی خویش، دل‌تنگ روی تخت بیمارستان خوابیده». ما در این رمان سرگذشت و زندگی یک فرد را می‌خوانیم که من دوست دارم آن را آیینی تمام‌نمای زندگی یک نسل بدانم. آنچه که در بالا به‌عنوان نقل قول یادآوری کردیم کلید فهم محتوای کلی رمان است. اما من این موضوع را به‌عنوان یک امر متناقض درک می‌کنم. زیرا از یک طرف ما با دوره‌ای مواجه هستیم که در آن بنیادگرایی، خشونت و خصوصاً جهالت در آن حکم‌فرما است و از این حیث نمی‌شود به آن دوره دل بست و به آن متوسل شد، زیرا دل‌تنگی به این دوره قابل توجیه نیست. اما از طرف دیگر می‌بینیم با فردی مواجه هستیم که به‌عنوان نماینده‌ی یک نسل دل‌تنگ آن ایام است. یعنی به‌نحوی می‌خواهد آن دوره را دوباره باز یابد. این دل‌تنگی او اما دلیل مشخص دارد. او دل‌تنگ این نیست که چرا از جزم‌اندیشی و حکومت طالبانی فاصله گرفته است بلکه دل‌تنگی او دلیل دیگر دارد. فردی که در این‌جا زندگی‌اش روایت شده دل‌تنگ همان سه دهه عمر از دست‌رفته‌اش است، زیرا جوانی‌اش در این دهه‌ها سپری شده است. وقتی زندگی را به‌لحاظ فردی بررسی کنیم اصولاً دوره جوانی زندگی بهترین دوره است؛ آدم پر از نیرو و امید است، انگیزه دارد، می‌تواند هدف‌مند باشد و توانایی انجام هر کاری را دارد. در دوره جوانی است که ما مثلاً مسیر آینده‌مان را تعیین می‌کنیم. از این لحاظ دل‌تنگ‌شدن برای دوران جوانی قابل توجیه است. اما وضعیتی که در ایام جوانی این فرد (سی سال) بر افغانستان حاکم بوده به هیچ‌وجه جای دل‌تنگی ندارد. از این‌جاست که ما با وجه متناقض رمان مواجه می‌شویم. تمام تلاش رمان در این است این سی سال را، که از یک لحاظ حس نوستالژیک و حسرت‌بار را برای بعضی آدم‌ها ایجاد می‌کند و از طرف دیگر دل‌تنگ‌بودن نسبت به آن دوره هیچ توجیه منطقی را در پی ندارد، روایت کند.

«من از جایی می‌آیم که سازوکار جهان آن‌جا خیلی ساده است. همه‌ی راز جهان ریخته در روزنامه‌چهره و جایی برای سوال باقی نگذاشته» (ص ۲۲۲). این وجه دوم آن تناقضی است که از آن یاد کردیم، منتها این‌بار در حوزه عمومی. اما چگونه می‌شود خوب‌بودن و یا بدبودن یک وضعیت را فهمید؟ یکی از پاسخ‌های ممکن و شاید بهترین پاسخ، این باشد که وضعیت‌ها را با همدیگر قیاس کنیم. مثلاً ما از وضع موجود رضایت نداریم. مبنای این نارضایتی اگرچند از متن جامعه آشکار می‌شود اما مقایسه‌کردن وضعیت‌مان با جوامع دیگر نیز نهایت روشن‌کننده است. این مقایسه در «زندگی به سفارش پشه‌ها» نیز صورت گرفته است: «همه می‌دانید که کفار آن‌سوی حصار دانش دنیایی دارند... خلاصه همه‌چیز و همه‌کار از‌شان ساخته است؛ چون مطابق وعده، زندگی در دنیا مال آنان است اما سعادت آن دنیا از ایشان دریغ داشته شده. آنان در سازندگی این دنیا هم‌پای شیطان‌اند» (ص ۲۰۴).

بنیادگرایی

عموماً روشنفکرهای ضد دین از دوره صدر اسلام به‌عنوان افراطی‌ترین دوره‌های تاریخ این دین یاد می‌کنند، اما افراطیت در دوره‌ای که «زندگی به سفارش پشه‌ها» روایت‌گر آن است حتا بیشتر از دوره صدر اسلام است. در این دوره کارهایی صورت می‌گیرد که ذره‌ای عقلانیت و منطق در آن راه ندارد. گویا همگی از نیروی خرد و عقلانیت به‌صورت کلی بی‌بهره است. بیشتر کارهایی که صورت می‌گیرد نمادین است و این نمادها به‌صورت معنادار وضع موجود جامعه را نشان می‌دهد. نمادها و نشانه‌هایی وجود دارد که استفاده کردن

برادر را کشت.»

از وی پرسیدم که چگونه می‌داند راکت و هاوان از دولت است یا طالب. پاسخش خیلی ساده بود. گفت که طالب در روستا جابجا شده و دولت در بیرون روستا. وقتی هاوان از بیرون روستا بیاید هاوان حکومت است و اگر از داخل روستا شلیک شود، از طالب است. به گفته‌ی بی‌جاشدگان ماین‌های طالب و بمب‌های دولت تقریباً همه‌ی روستاییان را مجبور به ترک خانه‌های‌شان کرده است. عبدالباقی می‌گوید که در روستای «سولنی» ۳۳ خانواده زندگی می‌کرده است که در حال حاضر «شاید یک یا دو خانواده که توانایی بیرون‌شدن را ندارند، باقی مانده و دیگران همه فرار کرده‌اند».

فریداحمد مشعل، آمر امنیت فرماندهی پولیس قندهار این‌گونه حوادث را رد نمی‌کند و می‌گوید که اشتباهات صورت می‌گیرد. آقای مشعل می‌گوید که عامل این حوادث طالبان است؛ چون طالبان جنگ را آغاز کرده و در خانه‌های مردم ملکی سنگر گرفته است. وزارت دفاع افغانستان نیز کشته‌شدن غیرنظامیان را نمی‌پذیرد. از نظر حکومت اگر گاهی هم غیرنظامیان اشتباهی هدف قرار می‌گیرد، عامل اصلی آن طالبان هستند. وزارت دفاع افغانستان می‌گوید حفظ جان غیرنظامیان در صدر اولویت‌های این وزارت قرار دارد. این وزارت می‌گوید حملات هوایی نیروهای افغان با دقت انجام می‌شود.

اما در یک تحقیقی که در دسامبر سال گذشته میلادی از سوی انستیتوت مطالعات بین‌المللی واتسون دانشگاه براون آمریکا منتشر شده آمده است که در شش ماه نخست سال ۲۰۲۰ میلادی دست‌کم بیشتر از ۸۰ غیرنظامی در حملات هوایی نیروی هوایی افغانستان کشته و بیشتر از ۱۰۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

عبدالباقی بعد از ختم مراسم فاتحه ۱۰ عضو خانواده‌اش در روستای «سولنی»، میرویس و صفورا را گرفته و به شهر قندهار می‌آید. در قندهار در خانه‌ی دواتقه خواهرش مستقر می‌شود؛ در یک اتاق خانواده عبدالباقی، برادرش و برادرزاده‌هایش زندگی می‌کنند و در اتاق دیگر خانواده کوچک خواهرش.

عبدالباقی با ۵۰ هزار کلدان پاکستانی که از حاصلات انگور اسمال به‌دست آورده بوده، یک دکان کوچک پرچون‌فروشی باز کرده است: «پاپور و پفک می‌فروشم.» غلام‌فاروق برادر کوچکش در یک گاوداری با مزد ماهانه ۶ هزار کلدان پاکستانی کارگری می‌کند. میرویس بعد از مکتب در نانوبی روزانه در بدل چهار قرص نان کار می‌کند. عبدالباقی با چهره خسته و غمگین گفت: «بعضی وقت‌ها یک قرص نان پیدا می‌شود و بعضی وقت پیدا نمی‌شود.»

تحلیل

بود، در عالم رهبری نیز عمل کند. برای همین، هر وقت که جامعه به او گفت که روش مستبدانه و ظالمانه‌ی خود را عوض کند، او بر میزان سماجت و کله‌شخی خود افزود. او سوگند خورده بود که افغانستان را آزاد و آباد کند (البته در چارچوب استراتژی «اول پشتون‌ها، بعد دیگران») و در رساندن این پروژه به منزل مقصود به سخن هیچ کس دیگری گوش ندهد. هرچه دیگران بیشتر مطالبه‌ی عدالت کردند، او بیشتر غرید و سخت‌تر بر پروژه‌ی خود پا فشرده.

امروز غنی در خارج از حلقه‌ی وفاداران قومی خود منور عام و خاص است. افغانستان تحت مدیریت او در حال فروپاشی به دامن یکی از منحط‌ترین نظام‌های سیاسی جهان - یعنی امارت قرون وسطایی - است. اما غنی، حتا در همین وضعیت نیز، به‌صورت خستگی‌ناپذیر مشغول بیگانه‌سازی حامیان نظام جمهوری است. چرا؟ برای این که این حاکم حکیم نمی‌تواند بپذیرد که استبداد رای و شیفتگی بیش‌ازحد به دانسته‌های اکادمیک خود در امر رهبری به فاجعه می‌انجامد.

آیا غنی می‌توانست یک رهبر خوب باشد؟ بلی، می‌توانست، ولی نشد. در تاریخ افغانستان، غنی اولین حاکمی است که سواد کافی دارد، تجربه‌ی کار با نهادهای مدرن بین‌المللی در کارنامه‌اش هست، با زبان دنیای جدید آشناست، توسعه را می‌فهمد و توان پلانگذاری علمی دارد. اما چه سود؟ همه‌ی این کمالات در برابر خوی استبدادی و قبیله‌پرستی‌اش ضرب هیچ شده‌اند.

که هرگز حقیقت نداشتند» (ص ۲۴۲).

دور جدید تظاهرات هواداران ناولنی در شهرهای روسیه؛ بازداشت صدها معترض

اطلاعات روز: هواداران الکسی ناولنی، رهبر مخالفان ولادیمیر پوتین که زندانی است، روز یکشنبه با وجود سرمای هوا در نقاط مختلف این کشور به خیابان‌ها آمدند و ماموران امنیتی تاکنون بیش از یک‌هزار تن از آنان را بازداشت کرده‌اند.

به گفته گروه دیدبان اعتراض‌ها (OVD) تا ظهر یکشنبه بیش از هزار تظاهرکننده در ۳۵ شهر شهرهای مختلف روسیه از سوی نیروهای پولیس بازداشت شده‌اند.

به گزارش ایران اینترنشنال، هواداران ناولنی گفته‌اند تظاهرات در مسکو را در نزدیکی کاخ کرملین و مقر سازمان اطلاعاتی روسیه برگزار خواهند کرد؛ اما پولیس با «غیرقانونی» خواندن این تظاهرات، از شامگاه جمعه دست‌کم هفت ایستگاه مترو و چندین خیابان اطراف کرملین را مسدود کرد.

به گزارش رویترز، از بامداد یکشنبه و پیش از آغاز تظاهرات، ماموران امنیتی و پولیس حضوری پر شمار در مرکز مسکو دارند.

معترضان خواستار آزادی ناولنی از زندان هستند و شعارهایی علیه ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه، سر می‌دهند.

شهر ولادی‌وستوک، در جنوب شرقی روسیه، جزو اولین نقاطی بود که روز یکشنبه شاهد حضور تظاهرکنندگان در خیابان‌ها بود اما پولیس مانع ورود تظاهرکنندگان به مرکز شهر شد.

بر اساس ویدئوهایی که از این شهر منتشر شده، معترضان در هوای ۱۳ درجه زیر صفر تظاهرات کرده‌اند و شعار «پوتین دزد است» سر می‌دهند.

در شهر تومسک در سیبری، جایی که ناولنی پس از بازگشت از آنجا در هواپیما مسموم شد، تظاهرکنندگان مقابل یک سالن کنسرت تجمع کردند و با در دست داشتن پرچم‌های روسیه، شعار «رهاش کنید» سر دادند. همچنین ده‌ها نفر در شهر یاکوتسک که سرما در آنجا به منفی ۴۲ درجه سانتیگراد رسیده، تظاهرات کردند.

روز جمعه یک دادگاه روسیه برادر و چند متحد ناولنی را



به حبس خانگی محکوم کرد. این تصمیم دادگاه در ادامه روند سرکوب متحدان ناولنی است که پس از تظاهرات هواداران او در شنبه گذشته شدت گرفته است.

بر اساس این حکم، اولگ ناولنی، برادر الکسی ناولنی، و چند متحد این فعال سیاسی تا روز ۲۳ ماه مارچ در حبس خانگی خواهند بود.

پیشتر گروه ناظر بر تظاهرات اعلام کرده که بیش از چهار هزار نفر در جریان اعتراضات هفته گذشته در سراسر روسیه بازداشت شدند.

ناولنی ۴۴ ساله که مهم‌ترین رهبر مخالفان پوتین محسوب می‌شود، دو هفته پیش، زمانی که از آلمان به مسکو بازگشت، در فرودگاه به اتهام نقض آزادی مشروط خود بازداشت شد و تاکنون در زندان به سر می‌برد.

او در تابستان گذشته با یک سم اعصاب مسموم شد و برای مداوا به آلمان انتقال یافت. ناولنی دولت پوتین را مسئول مسمومیت خود می‌داند، اما کرملین این اتهام را رد می‌کند.

در حالی که قرار است دادگاه ناولنی هفته آینده برگزار شود، او در معرض محکومیت زندان که می‌تواند تا سه سال و نیم حبس باشد، روبه‌روست.

بازدید بازرسان سازمان جهانی بهداشت از بازار ووهان، کانون اولیه همه‌گیری کرونا

کارشناسان در ابتدای ورود به بازار، حاضر به پاسخگویی به پرسش‌های خبرنگاران نشدند و پس از ورود آن‌ها، دسترسی عموم به بازار بسته شد.

به گزارش رویترز، ورود عمومی به بازار ووهان از زمان تعطیلی‌اش در ابتدای سال گذشته میلادی بسیار محدود بوده است.

در طول یک سال گذشته شماری از مقام‌های چین و رسانه‌های حکومتی این کشور گفته‌اند بازار ووهان منشأ شیوع کرونا نیست و حتی مدعی شده‌اند که ویروس احتمالاً از خارج از چین وارد این کشور شده است.

مقام‌های چین پس از مدت‌ها تکذیب، سرانجام در

اطلاعات روز: گروهی از بازرسان سازمان جهانی بهداشت که برای تحقیق درباره منشأ کرونا به چین سفر کرده‌اند، روز یکشنبه ۱۲ دلو از بازار شهر ووهان، مکانی که برای اولین بار مواردی از ابتلا به این ویروس در آنجا شناسایی شد، بازدید کردند.

به نقل از ایران اینترنشنال، ووهان در مرکز چین واقع است و در بازار این شهر نیز به طور عمده محصولات دریایی به فروش می‌رسد.

به گزارش رویترز، کارشناسان سازمان جهانی بهداشت تحت تدابیر شدید امنیتی و در حالی که موانع متعددی اطراف بازار گذاشته شده بود وارد این محل شدند.

آخرین روز سال ۲۰۱۹ میلادی با اعلام شناسایی چهار مورد از ابتلا به یک بیماری ذات‌الریه ناشناخته، بازار ووهان را تعطیل کردند. حدود یک ماه بعد، این شهر قرنطینه شد.

بازرسان اعلام کرده‌اند بازار ووهان همچنان در تحقیقات برای یافتن منشأ کرونا اهمیت دارد، زیرا اولین گروه‌ها از مبتلایان در این بازار شناخته شده است.

کارشناسان سازمان جهانی بهداشت که پس از ورود به چین به مدت دو هفته در ووهان در قرنطینه بودند، از روز پنج‌شنبه کار بازدید از بیمارستان‌ها، آزمایشگاه‌ها و بازارهای این شهر را آغاز کردند.

هنوز هیچ زمان‌بندی مشخصی از برنامه‌های این گروه اعلام نشده، اما پیشتر سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده که کارشناسانش از بازار ووهان و موسسه ویروس‌شناسی این شهر بازدید می‌کنند.

سفر کارشناسان سازمان بهداشت جهانی به چین با تاخیر همراه بوده است. این تاخیر موجب طرح انتقادهایی علیه چین از سوی سازمان بهداشت جهانی شد.

این در حالی است که پیشتر برخی کشورها از جمله امریکا انتقادهایی را درباره عدم شفافیت اصلاح‌رسانی و شیوه مدیریت چین در زمینه شیوع کرونا مطرح کرده‌اند.

جزئیات تازه از بمب‌گذاری نزدیک سفارت اسرائیل در دهلی؛ «پیام تهدیدآمیز درباره سلیمانی و فخری‌زاده»

انفجار را پذیرفته‌اند اما نامی از اسرائیل نبرده‌اند و فقط گفته‌اند که هدف از این حمله انتقام از دولت هند است و تهدید کرده‌اند که حمله‌های دیگر هم انجام خواهد شد.

در فاصله یک کیلومتر و ۴۰۰ متری محل انفجار در همان زمان رییس‌جمهور و نخست‌وزیر هند در بلوار راجپت در یک مراسم ملی نظامی شرکت داشتند.

این حمله هرچند جزئی و بدون خسارت اما در روزی اتفاق افتاد که به دلیل برگزاری مراسم رسمی تدابیر امنیتی بسیار شدیدی برقرار بود.

بر اساس تحقیقات اولیه بمب دست‌ساز داخل کیسه پلاستیکی گذاشته شده و از درختی در نزدیکی سفارت اسرائیل در دهلی آویزان شده بود.

یک مقام آگاه پولیس به وسایت تلویزیون ماهواره‌ای و خصوصی دهلی (ان‌دی‌تی‌وی) گفته که در تحقیقات اولیه شاخه ویژه پولیس دهلی این گمان مطرح است که «هدف از کارگذاشتن این بمب فرستادن پیامی از جانب ایران به اسرائیل بوده است.»

پولیس هند می‌گوید نامه‌ای در روز جمعه نزدیک محل انفجار پیدا کرده که حاوی تهدید بوده و در آن به ماجرای کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه و محسن فخری‌زاده، از چهره‌های کلیدی برنامه هسته‌ای ایران اشاره شده است.

تایمز آو ایندیا هم گزارش داده که در این نامه تهدید شده که این آخرین حمله نخواهد بود و همچنین بر اساس تصاویر دوربین‌ها دو نفر در این رابطه احضار و بازجویی شده‌اند.

روز ۲۳ جنوری سرویس‌های اطلاعاتی هند از خطر احتمالی حمله به یهودیان در این کشور مطلع شدند.

این دومین حمله به سفارت اسرائیل در هند در یک دهه گذشته بوده است.

اطلاعات روز: وب‌سایت تلویزیون دهلی و رسانه‌های اسرائیل جزئیات تازه‌ای از انفجار بمب نزدیک سفارت اسرائیل در هند منتشر کرده‌اند و می‌گویند سرویس اطلاعاتی هند مشغول تحقیق درباره بمب‌گذاری است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، رسانه‌های اسرائیل از جمله روزنامه جروزالم پست نوشته‌اند که یک گروه به نام جیش‌الهند که اسرائیل آن را مرتبط با ایران می‌داند، مسئولیت این بمب‌گذاری نزدیک سفارت را به عهده گرفته است.

در انفجار بمب نزدیک سفارت اسرائیل در روز جمعه ۲۹ جنوری، به گفته مقام‌های اسرائیلی هیچ آسیبی به سفارت نرسیده است.

به گزارش منابع آگاه سرویس اطلاعاتی هند مشغول تحقیق درباره عاملان بمب‌گذاری است.

رسانه‌های هند می‌گویند گروهی که خود را جیش‌الهند می‌نامند، در پیامی تلگرامی مسئولیت این



استیضاح ترمپ؛ «پنج وکیل از تیم حقوقی او جدا شدند»

جلسات سنا برای رسیدگی به اتهام «تشویق به شورش» علیه آقای ترمپ در ارتباط با حمله اخیر به ساختمان کنگره امریکا، از هشت فبروری (۲۰ دلو) آغاز می‌شود. با کناره‌گیری این وکلا مشخص نیست که چه کسانی دفاع از آقای ترمپ در سنا را برعهده خواهند داشت.

جیسون میلر، مشاور آقای ترمپ در واکنش به این گزارش‌ها در توییتهایی نوشته است: «کارهای زیادی تا الان انجام داده‌ایم، اما تصمیم نهایی درباره تیم حقوقی‌مان را نگرفته‌ایم، کاری که به زودی انجام خواهد شد.»

آقای ترمپ اولین رییس‌جمهور تاریخ امریکا است که دو بار استیضاح می‌شود. او در سال ۲۰۱۹ هم در پرونده‌ای مربوط به اوکراین استیضاح شد اما در محاکمه مجلس سنا تبرئه شد.

رییس‌جمهور پیشین امریکا این بار از سوی مجلس نمایندگان متهم شده است که با تکرار ادعاهای مربوط به تقلب در انتخاباتی که در آن شکست خورد، باعث تحریک گروهی شده که همزمان با جلسه سنا برای تایید پیروزی جو بایدن در روز ششم جنوری، به ساختمان کنگره حمله کردند.

احتمال دارد آقای ترمپ در جریان این استیضاح هم در مجلس سنا تبرئه شود. برای محکوم شدن او در سنا باید دست کم ۱۷ نفر از سناتورهای جمهوری‌خواه علیه او رای دهند تا در کنار ۵۰ سناتور دموکرات تعداد آرا به حد نصاب، یعنی دو سوم اعضای سنا برسد.

اما چند روز پیش ۴۵ سناتور جمهوری‌خواه به پیشنهاد توقف روند استیضاح با این استدلال که او دیگر در قدرت نیست رای مثبت دادند. هر چند این پیشنهاد رای نیاورد اما تعداد آرا نشان داد که ممکن است استیضاح آقای ترمپ در سنا رای کافی نداشته باشد و در نهایت تبرئه شود.



اطلاعات روز: پنج نفر از وکلای دونالد ترمپ، رییس‌جمهور پیشین امریکا، قبل از شروع محاکمه مربوط به استیضاح آقای ترمپ در سنای امریکا، از تیم حقوقی او جدا شدند.

به گزارش رسانه‌های امریکا بوچ باورز و دوبرا باربری، دو وکیل ارشد این گروه در تصمیمی با توافق طرفین از تیم وکلای استیضاح کناره‌گیری کرده‌اند.

گفته می‌شود دلیل کنار رفتن این وکلا، اختلاف‌ها درباره استراتژی و شیوه دفاع در سنا بوده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، جاش هوارد، جانی گسر و گرگ هریس، سه وکیل دیگری هستند که در آستانه برگزاری جلسه محاکمه سنا در جریان استیضاح آقای ترمپ از تیم حقوقی او جدا شده‌اند.

بنا بر گزارش‌ها دست کم دو نفر از این وکلا به این دلیل کناره‌گیری کرده‌اند که مخالف دفاع از آقای ترمپ بر اساس ادعاهای مربوط به تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا بوده‌اند.

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
- سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
- سردبیر آنلاین: الباس نواندیش
- گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
- مترجم: جلیل پژواک
- ویراستار: شیرمهریار
- صفحه‌آرا: رضا مظفری
- ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

خبرهای کوتاه

لاوتارو مارتینس:

می‌خواهم قراردادام را با اینتر تمدید کنم

مهاجم آرژانتینی اعلام کرد می‌خواهد قراردادش را با اینتر تمدید کند. به نقل از بی ساکر، لاوتارو مارتینس در پیروزی ۴ بر صفر اینتر مقابل بنونتو گلزنی کرد تا پس از شش بازی دروازه تیمی را باز کند. مهاجم آرژانتینی اعلام کرد از بودن در اینتر خوشحال است و مدیر برنامه هایش به دنبال تمدید قراردادش است. او گفت: به دنبال تمدید هستیم. من در اینجا خوشنود هستم. باشگاه همیشه با من خوب رفتار کرده است. سرمربی به من اعتماد دارد و تلاش خواهم کرد تا بهترین بازی ام را به نمایش بگذارم. سپس بقیه مسائل حل خواهد شد.

مهاجم اینتر در پایان اظهار کرد: من یک مهاجم هستم و باید گلزنی کنم. برای تیمم کار می‌کنم و گاهی اوقات اشتباه می‌کنم. باید در این زمینه بهتر شوم. می‌خواهم هر روز بهتر شوم و هر روز باید با تمام وجود کار کنم.

قرارداد لاوتارو تا سال ۲۰۲۳ با دستمزد سالیانه ۲.۵ میلیون یورو است. به نوشته رسانه‌های ایتالیایی این قرارداد تا سال ۲۰۲۴ تمدید خواهد شد و دستمزد مهاجم آرژانتینی در هر فصل به ۴.۵ میلیون یورو افزایش می‌یابد. او که فصل پیش ۲۱ گل به ثمر رساند در این فصل تاکنون ۱۰ بار گلزنی کرده است.

مولر:

بایرن در مسیر درستی قرار دارد

مهاجم بایرن مونیخ تاکید کرد که این تیم در مسیر درستی قرار دارد و همچنان آماده و سرحال است.

به نقل از اسکای اسپورت، شکست ۳ بر ۲ برابر مانشن گلادباخ و حذف از جام حذفی آلمان باعث شد که انتقادها از تیم هانس فلیک زیاد شود. بایرن بعد از این دو شکست پیاپی به خود آمد و چهار پیروزی پیاپی را به دست آورد. بایرن شنبه شب به مصاف هوفنهایم رفت و توانست با نتیجه ۴ بر یک به پیروزی دست پیدا کند.

توماس مولر که زنده یکی از گل‌های تیمش در این بازی بود، گفت: این چهارمین پیروزی پیاپی ما بود. باید تاکید کنم که تیم در مسیر درستی قرار دارد و هیچ دلیلی برای نگرانی وجود ندارد.

او ادامه داد: با ارائه یک بازی خوب توانستیم به پیروزی دست پیدا کنیم. وقتی تیم بانگیزه و پرتلاش ظاهر شود نتیجه اش را هم خواهد دید. هم در خط حمله و هم در کارهای دفاعی بسیار خوب بودیم. هوفنهایم تیم بسیار خوبی بود اما ما بهتر و پرتلاش بودیم. دوست نداشتمیم که اصلاً دروازه ما باز شود. به هر حال نتیجه بسیار خوبی کسب کردیم.

بایرن مونیخ با ۷ امتیاز اختلاف نسبت به تیم دوم در صدر جدول رده بندی جای دارد و شانس اصلی قهرمانی در فصل جاری است. بایرن خود را آماده قهرمانی در جام جهانی باشگاه‌ها در قطر می‌کند و در صورتی که بتواند قهرمانی در این رقابت را به دست آورد دومین تیم در تاریخ خواهد بود که در یک سال شش جام کسب کرده است.

نیست. بلکه می‌پول هنگفتی از باشگاه دریافت می‌کند ولی نباید دور از ذهن داشت که بخش اصلی درآمدزایی بارسا و ترغیب اسپانسرهای بزرگ برای عقد قرارداد با بارسا به خاطر حضور لیونل مسی است. در واقع این مسی است که در تمام سال‌های اخیر، مبالغ هنگفت به بارسلونا تزریق کرده و شاید حق او باشد که چنین ارقام نجومی را دریافت کند.

مسی در ماه‌های پیش رو باید تصمیم نهایی خود را اتخاذ کند. شرایط کنونی بدون شک مسی را به سمت درب خروجی بارسلونا هدایت خواهد کرد و اینجاست که پروژه‌های ورزشی رئیس بعدی کلیدی خواهد بود. جدای از مسائل اقتصادی، رئیس بعدی باید مسی را متقاعد کند که بارسا را تیمی قدرتمند و مدعی برای همه جام‌ها خواهد کرد تا به این وسیله او برای ماندن ترغیب شود.

دیروز ویکتور فونت یکی از سه نامزد نهایی بارسا بر علیه انتشار متن قرارداد مسی، زودترین واکنش را نشان داد و گفت که مسی شایسته تک‌تک یوروهای بوده که دریافت کرده است. واکنشی که نشان از عزم فونت برای ماندن مسی در صورت انتخاب شدن به عنوان رئیس آینده بارسا دارد. رئیس جدید موفق به چنین کاری می‌شود؟

رئیس جدید معجزه می‌کند؟
مسی در اوج ناامیدی؛ چاره‌ای جز جدایی نیست

پاندمی کرونا به بدترین شکل خود رسیده است. بازیکنان به خوبی می‌دانند که در دوران کرونا بارسا ضربه اقتصادی بزرگی خورده و در عین حال بر این اعتقادند که در این شرایط بد مالی، مسئولان قبلی باشگاه به خصوص بارتومئو نقش مهمی داشتند و در واقع شیوه بد اداره باشگاه بوده که وضعیت را به شکل کنونی رسانده است. و حالا انتشار متن قرارداد محرمانه لیونل مسی در یک نشریه که مسی تصورش را هم نمی‌کرد.

اکنون این حس القا شده است که مسی مسئول اصلی نزدیک شدن بارسا به ورشکستگی بانکی است اما در واقع اینطور

این تفکر که پایان فصل و با اتمام قرارداد بارسا را ترک کند. استعفای بارتومئو و انتخابات ریاست بارسلونا که کمتر از یک ماه دیگر برگزار خواهد شد، کورسوی امید برای ماندن شدن مسی ایجاد کرد. مسی در مصاحبه چندی قبل خود فاش ساخت که تصمیم برای تمدید یا جدایی از بارسا را به انتهای فصل و صحبت با رئیس جدید موکول کرده است.

در این مقطع شاهد توافق باشگاه با بازیکنان از جمله لیونل مسی برای کاهش دستمزد بودیم. اتفاقی که باب میل بازیکنان نبود؛ با علم به اینکه وضعیت اقتصادی بارسا در

لو رفتن سند محرمانه مربوط به قرارداد مسی که نشان از آشفتگی بی‌سابقه باشگاه کاتالان دارد، این تصور را باعث شده که در باشگاه اراده‌ای برای بیرون کردن مسی وجود دارد.

به نقل از مارکا، نشریه ال موندو در گزارش ویژه شماره دیروز خود، به افشای مورد قرارداد لیونل مسی پرداخت. انتشار ریز قرارداد لیونل مسی در سال ۲۰۱۷ و ارقام ترسانک دریافتی او تا به امروز که به ۵۵۵ میلیون یورو می‌رسد.

این رقم به صورت دستمزد، پاداش و بندهای متغیر دیگر بوده به خصوص در شرایط پاندمی کرونا که بارسلونا از لحاظ مالی فشار فراوانی را حس می‌کند، مسی به نوعی متهم به ورشکسته کردن باشگاه شده است. واضح است که انتشار این سند محرمانه و ریز دریافتی‌های لیونل مسی هیچ کمکی به تمدید قرارداد او و ادامه حضورش در بارسا نخواهد کرد.

مسی تابستان گذشته تصمیم قطعی خود برای جدایی از بارسا را گرفته بود. اگر این مهم عملی نشد، به دلیل مخالفت قاطع جوزپ ماریا بارتومئو رئیس وقت باشگاه بود. او از مسی درخواست کرد تا اگر قصد جدایی دارد، ۷۰۰ میلیون یورو بند فسخش را پرداخت کند و مسی بر خلاف میل باطنی در نهایت مجبور به ماندن شد؛ با

بنتانکور: فقط اینستا نسبت به آرتور بازیکن بهتری است!



عملکرد هم تیمی برزیلی خود یعنی آرتور ملو پرداخت و گفت: «من فکر می‌کنم فقط آندرس اینیستا با وجود توپ در زیر پاهایش از او بازیکن بهتری است. بازی در کنار او باعث خوشحالی است. همه ما در خط هافبک خوب بازی می‌کنیم و به طور کلی تیم بسیار خوبی داریم.»

آندره پیرلو: «گاهی اوقات او در تمرینات بازی می‌کند و می‌توانم بگویم که هنوز هم باور نکردنی است؛ خصوصاً پاس‌های بلند او.»

خود ارائه دادند. بنتانکور، هافبک اروگوئه ای یوونتوس درباره پیروزی این تیم مقابل سمپدوریا گفت: «ما در نیمه اول خیلی خوب بازی کردیم اما باید سریع تر کار را تمام می‌کردیم. با این حال به خاطر کسب سه امتیاز بسیار خوشحال هستیم. ما در شرایط بسیار خوبی قرار داریم و فکر می‌کنم که همه بازیکنان عملکرد خوبی از خود ارائه می‌دهند.»

بنتانکور در ادامه به تمجید از

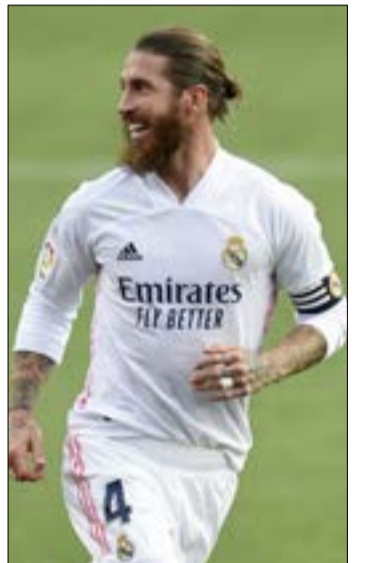
رودریگو بنتانکور، هافبک اروگوئه ای یوونتوس از هم تیمی خود یعنی آرتور ملو تمجید ویژه ای انجام داد. یوونتوس شنبه شب با ارائه یک نمایش حساب‌شده موفق شد با دو گل از سد سمپدوریا عبور کند تا به روند خوب خود طی هفته‌های گذشته ادامه داده باشد. آندره پیرلو سرمربی بیانکونری شنبه شب از مثلث رودریگو بنتانکور، وستون مک کنی و آرتور ملو در خط هافبک خود استفاده کرده بود که اتفاقاً این سه نفر عملکرد قابل قبولی را هم از

راموس در راه لیگ برتر؛
یونایتد، سیتی یا لیورپول؟

در لیگ برتر انگلیس است. مدافع عنوان قهرمانی لالیگا هنوز موفق نشده کاپیتان اسطوره ای خود را راضی به ماندن کند و گزارش‌ها در اسپانیا حاکی از این است که راموس به دنبال ترک رئال مادرید است و ممکن است قصد داشته باشد به لیگ برتر و منچستریونایتد کوچ کند.

باشگاه‌های کمی در سطح جهان وجود دارند که بتوانند از پس دستمزد بازیکنی در حد و اندازه‌های راموس بریبایند و از پاری سن ژرمن نیز به عنوان یکی از علاقمندان به این مدافع اسپانیایی نام برده می‌شود، هر چند گفته می‌شود سرخیو راموس خود علاقمند به بازی در انگلیس است.

پیش از این گزارش شده بود که رئال مادرید پیشنهادی برای تمدید قرارداد به راموس ارائه داده اما این مدافع کهنه‌کار پیشنهاد رئال را رد کرده است. هیچ کدام



قرارداد سرخیو راموس با رئال مادرید در تابستان به پایان می‌رسد و دو طرف هنوز برای تمدید قرارداد به توافق نرسیده‌اند. گفته می‌شود که راموس علاقمند به بازی

اگر تمایل پیوستن او به لیگ برتر درست باشد، تنها چند باشگاه هستند که توانایی پرداخت دستمزد او را دارند.

به جز منچستریونایتد، از منچسترسیتی و لیورپول نیز به عنوان مقاصد احتمالی راموس نام برده می‌شود، هر چند سابقه نمایش‌های او در برابر این تیم‌ها، باعث می‌شود که استقبال چندان گرمی در انتظار او نباشد.

اورتون اما می‌تواند خوشامدگویی گرم تری برای راموس داشته باشد، مخصوصاً با توجه به حضور کارلو آنچلوتی روی نیمکت این تیم که از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ سابقه هدایت رئال مادرید را نیز در کارنامه دارد. باید دید که آیا فلورنتینو پرز، رئیس رئال مادرید، اجازه خواهد داد اسطوره رئال از این تیم برود؟ و آیا سولسشر از این فرصت ویژه برای تقویت خط دفاع خود استفاده خواهد کرد؟

از دو طرف حاضر نیستند از خواسته‌های خود کوتاه بیایند و با نزدیک شدن زمان پایان قرارداد راموس با رئال مادرید، حال به نظر می‌رسد که راه کاپیتان از لوس‌بلانکوس جدا شده.

هواداران رئال بسیار بابت احتمال جدایی سرخیو راموس از این تیم ناراحت و نگرانند، مخصوصاً که راموس در دوران طولانی حضور خود در مادرید به همراه این تیم فاتح پنج عنوان قهرمانی در لالیگا و چهار عنوان قهرمانی در چمپیونزلیگ شده است. قهرمانی‌هایی که راموس نقشی حیاتی در به دست آمدن‌شان داشته است. جدا از افتخاراتی که در مادرید کسب کرده، راموس با تیم ملی اسپانیا فاتح جام جهانی فوتبال و همچنین دو عنوان قهرمانی اروپا نیز شده است. لازم به ذکر نیست که او چه مهره ارزشمندی در ترکیب هر تیمی می‌تواند باشد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۷۰۰۰ افغانی

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی



میکانیسم تطبیق توصیه‌اره حل تعمیم‌ناشونده

در مثنوی، حکایتی است که در زمان داوود پیامبر، شخصی شب و روز دعا می‌کرد که خدایا برایم روزی بدون زحمت عطا کن. چون تو مرا کاهل آفریدی، حالا روزی ام را نیز از راه کاهلی بده. چون خر ضعیف و پشتش پر از زخم، بار قاطر و اسب را حمل نمی‌تواند. «آن یکی در عهد داوود نبی/نزد خداوندان و پیش هر غبی/این دعا می‌کرد دایم کای خدا/ثروتی بی‌رنج روزی کن مرا.../کاهلم چون آفریدی ای ملی/روزی ام ده هم ز راه کاهلی/بر خران پشت ریش بی‌مرا/بار اسبان و استران نتوان نهاد.» (مثنوی، ۱۳۷۸، دفتر سوم، ۴۰۳-۴۰۴)

مردم به حال این مرد خنده می‌کردند. اما مرد دست از دعا برنمی‌داشت. تا این‌که روزی، گاوی از دروازه‌ی مرد وارد شد. مرد به فکرش رسید که دعایش مستجاب شده و این گاو روزی اوست. فوراً آن را ذبح کرد. «تا که روزی ناگهان در چاشت‌گاه/این دعا می‌کرد با زاری و آه/ناگهان در خانه‌اش گاوی دوید/شاخ زد بشکست در بند و کلید.../پس گوی گاو برید آن زمان/بی‌توقف، بی‌تأمل، بی‌امان.» (همان: ۴۰۵)

تا این‌که صاحب گاو می‌آید و با نیایش‌گر، جنجال می‌کند که چرا گاو مرا کشتی؟ مرد می‌گوید: من شب و روز دعا می‌کردم و ناله و زاری‌ام، زینت قبله شده بود تا خدا روزی‌ام را بدهد و اینک دعایم مستجاب شد. کار هر دو به زدخوردم می‌کشد. «هین چرا کشتی بگو گاو مرا/بله طرار انصاف اندر/اگت من روزی ز حق می‌خواستم/قبله را از لابه می‌آراستم/آن دعای کهنه‌ام شد مستجاب/روزی من بود کشتنم نک جواب.» (همان: ۴۴۲)

هر دو نزد داوود می‌روند تا بین‌شان قضاوت کند. پیش داوود هر دو عرض حال می‌کنند. داوود برای یک روز، از هر دو مهلت می‌طلبد تا سر این کار را از خداوند جویا شود. «گفت هین امروز ای خواهان گاو/مهلت ده وین دعاوی را مکارواتا روم من سوی خلوت در نماز/پروسم این احوال از دانایی راز.» (همان: ۴۴۵)

فردای آن روز داوود می‌آید و در محضر مردم، به صاحب گاو می‌گوید: تو نه تنها از گاو صرف نظر کن که تمام اموالت را نیز به این مرد بده. صاحب گاو داد و فغان بلند می‌کند که این چه ظلم مضاعف است که در حق من می‌کنی. مردم هم به کار داوود تعجب می‌کنند. آن‌گاه، داوود مردم را در صحرا، پای درختی می‌برد و امر می‌کند که پای این درخت را حفر کنند. وقتی این کار را می‌کنند؛ کاردی با جسدی از زیر درخت نمایان می‌شود.

داوود به مردم می‌گوید: این مدعی صاحب گاو، غلام این مقتول بوده است. او خواهش را با این کارد کشته؛ تمام اموالش را گرفته و با کنیز او ازدواج کرده است. حالا، نه تنها تمام اموال او مال نویی خواجه است؛ بل که فرزندانش هم، از اوست. «هرچه زو زایدده ماده یا که نر/ملک وارث باشد آن‌ها سر به سر.» (همان: ۴۴۹)

مولوی از این داستان، طبق معمول تأویل صوفیانه می‌کند و می‌گوید: مدعی گاو، نفس آدمی است که به دروغ خود را خواجه وانمود می‌کند. نیایش‌گری که گاو را کشت؛ عقل آدمی است. عقل و نفس، مانند صاحب گاو و عابد با هم در ستیزند. عقل، صاحب روزی بی‌رنج نمی‌گردد؛ مگر این‌که گاو نفس را بکشد. «نفس خود را کش جهان را زنده کن/خواجه را کشته است او را بنده کن/مدعی گاو نفس توست هین/خویشتر را خواجه کرده‌ست و مهین/آن کشنده‌ی گاو عقل توست رو/بر کشنده‌ی گاو تن منکر مشو.../روزی بی‌رنج او موقوف چیست/آن که بکشد گاو را کاصل بدی است.» (همان: ۴۵۰)

این حکایت، نمایش‌دهنده‌ی دو اتفاق، در فرایند زندگی اجتماعی است. یعنی هر دو اتفاق، در بستر زیست جمعی، همیشه به وقوع می‌پیوندد. یکی خصومت‌های حقوقی و جنایی بین دو نفر و دیگری، قضاوت در دستگاه



راه‌حل‌های تعمیم‌ناشونده و شکست‌خورده (۲)

محمد موسا شفق

داوود به‌عنوان یک پیامبر، یک واقعیت است؛ کشنده‌ی گاو، صاحب گاو و دعاوی برخاسته از این اتفاق، همه واقعیت‌های تکرارشونده‌اند. پس در این‌جا نکته‌ی مهم، نوع نگاه جهان‌شناسی صوفیانه به‌عنوان راه حل می‌باشد که آیا در زندگی فردی و جمعی، چنین میکانیسمی قابلیت تعمیم را دارد؟ پاسخ منفی است. چون قضاوت، کنشی است که در چارچوب قانون و به کمک خرد آدمی صورت می‌گیرد، نه توسط کشف و شهود. قضاوت امری جاری، در بستر جامعه است؛ اما قاضی همیشه پیامبر نیست. حتی ممکن دین‌دار نباشد.

حکایت دوم، حکایت یک فلسفی با یک مؤمن در دفتر چهارم است. مؤمن می‌گوید: دنیا حادث است و سرانجام وارث آن حق خواهد بود. فلسفی می‌گوید از کجا می‌دانی، دنیا حادث است؟ این شبیه آن است که باران به ابر بگوید: تو حادثی! تو در این هستی و انقلاب شمسی به اندازه‌ی ذره‌ای نیستی. از کجا پی به حدوث آفتاب برده‌ای؟ تو این سخنان را به تقلید از پدرت، شنیده‌ای و ذهنت را درگیر کرده است. «دی یکی می‌گفت عالم حادث است/فانی است این چرخ و حقیق وارث است/فلسفی‌ای گفت چون دانی حدوث/حادثی ابر چون داند غیوث/

حکایت دوم، حکایت یک فلسفی با یک مؤمن در دفتر چهارم است. مؤمن می‌گوید: دنیا حادث است و سرانجام وارث آن حق خواهد بود. فلسفی می‌گوید از کجا می‌دانی، دنیا حادث است؟ این شبیه آن است که باران به ابر بگوید: تو حادثی! تو در این هستی و انقلاب شمسی به اندازه‌ی ذره‌ای نیستی. از کجا پی به حدوث آفتاب برده‌ای؟ تو این سخنان را به تقلید از پدرت، شنیده‌ای و ذهنت را درگیر کرده است. «دی یکی می‌گفت عالم حادث است/فانی است این چرخ و حقیق وارث است/فلسفی‌ای گفت چون دانی حدوث/حادثی ابر چون داند غیوث/

پیشنهاد در آتش‌رفتن، همان تطبیق میکانیسم یا راه حل جهان‌شناسی صوفیانه در مواجهه با گفت‌وگو است. گفت‌وگویی که بر خرد استوار است. در گفت‌وگو، هر دو طرف، برای مغلوب‌ساختن طرف مقابل، از عقلش کار می‌گیرد. در همین حکایت نیز، می‌بینیم که هر دو استدلال می‌کنند و برهان می‌آورد.

ذره‌ای خود نیستی از انقلاب/تو چه می‌دانی حدوث آفتاب.../این به تقلید از پدر بشنیده‌ای/ از حماقت اندر این پیچیده‌ای/چیست برهان بر حدوث این بگو/ورنه خامش کن فزون گویی مجو.» (همان، دفتر چهارم: ۶۷۹)

مؤمن می‌گوید این جدال بین من و تو، روزی در میان دو گروه نیز، اتفاق افتاد. یکی می‌گفت این جهان فانی است و بی‌گمان آن را یک بانی هست. «آن یکی می‌گفت گردون فانی است/بی‌گمانی این بنا را بانی است.» (همان: ۶۷۹) طرف دیگر می‌گفت: این جهان قدیم و بی‌صاحب است. خالق وجود ندارد و یا خود جهان، بانی خودش است. «و آن دگر گفت این قدیم و بی‌کی است/نیستش بانی و یا بانی وی است.» (همان: ۶۷۹)

گفت‌وگوی فلسفی و مؤمن به درازا می‌کشد. فلسفی می‌گوید تا دلیلت را نیاوری، من قبول نمی‌کنم. مؤمن می‌گوید برهان و دلیل من، در درون جانم است. اشکال در چشم توست که مهتاب برهانم را نمی‌بینی. «گفت حجت در درون جانم است/در درون جان نماند برهانم است/تو نمی‌بینی هلال از ضعف چشم/من همی‌بینم مکن برمن تو خشم.» (همان: ۶۸۰)

گفت‌وگویی هر دو، طولانی می‌شود و مردمی که این صحنه را تماشا می‌کردند؛ کم‌کم گیج می‌شوند. هر دو، دلایل کافی برای محق بودن خود داشتند. یا اگر دلیل کم می‌آورد؛ از ایمان خویش کمک می‌گرفت تا متزلزل نشود. سرانجام، مؤمن می‌گوید رفیق، حجتی در درونم هست که نشانه‌ی حادث بودن آسمان است. سپس پیشنهاد می‌کند که بیا هر دو ما، در آتش فرو رویم؛ هر که به باورش یقین دارد؛ از آتش زنده بیرون خواهد آمد و حق با همان کس است. «گفت یارا در درونم حجتی است/بر حدوث آسمانم آیتی است/من یقین دارم نشانش آن بود/مر یقین‌دان را که در آتش رود.» (همان: ۶۸۰)

فلسفی می‌گوید من این پیشنهاد را قبول ندارم. چون این نشانه‌ها و روش‌ها برای اثبات حقیقت، در نزد عوام، قابل قبول است. «گفت من این‌ها ندانم حجتی/که بود در پیش عامه آیتی.» (همان: ۶۸۰)

مؤمن می‌گوید چون تو متقلب هستی و من نقد و صاف، روشن است که تو از چنین امتحانی می‌ترسی. ولی آتش امتحان آخر است. تا عوام و خواص، از حال دو طرف مدعی آگاه شوند و تردیدشان، تبدیل به یقین گردد. من و تو باید در آتش رویم؛ تا حجت برای باقی سرگشتگان شویم. یعنی با داخل آتش رفتن، حقیقت باور من اثبات می‌گردد و پس از این، دیگر کسی مانند تو در برابر این حقیقت آشکار، تردید نخواهد کرد. سرانجام، هر دو در آتش می‌روند. مطابق سنت ادیان ابراهیمی، مرد مؤمن زنده از آتش بیرون می‌آید و فلسفی می‌سوزد. «گفت چون قلبی و نقدی دم زند/که تو قلبی من نگویم/ارجمند هست آتش امتحان آخرین/کانداز آتش در فتنند این دو قرین/عام و خاص از حال شان عالم شوند/از گمان و شک سوی ایقان روند.../تا من و تو هر دو در آتش رویم/حجت باقی حیرانان شویم.../همچنان کردند و در آتش شدند/هر دو خود را بر تف آتش زندند/آن خدا گوینده مرد مدعی/رست و سوزید اندر آتش آن دعی.» (همان: ۶۸۰)

نکته‌ی کانونی در حکایت فوق، گفت‌وگو است. فلسفی و مؤمن، روی حادث بودن و قدیم بودن هستی با هم، گفت‌وگو می‌کنند. هر کدام، دلیل‌های خود را می‌آورند. گروهی از مردم، دور هر دو جمع‌اند و این مناظره را تماشا می‌کنند. یعنی سخن از یک اتفاق در بستر جامعه است.

تا این‌که گفت‌وگو به درازا می‌کشد. تماشایچنان کم‌کم خسته می‌شوند. مؤمن برای ختم غایله، طرح به درون آتش رفتن را پیشنهاد می‌کند. تا هر که زنده از آتش بیرون آمد، حقیقتش ثابت گردد. فلسفی گویا طرفدار دوام بحث است. می‌گوید من چنین طرحی را قبول ندارم. این دلیلی در نزد عوام ممکن باشد اما راه حل بحث

هستی‌شناختی من و تو نیست. پیشنهاد در آتش رفتن، همان تطبیق میکانیسم یا راه حل جهان‌شناسی صوفیانه در مواجهه با گفت‌وگو است. گفت‌وگو، هر دو طرف، برای مغلوب‌ساختن طرف مقابل، از عقلش کار می‌گیرد. در همین حکایت نیز، می‌بینیم که هر دو استدلال می‌کنند و برهان می‌آورد. اما در بحبوحه‌ی گفت‌وگو، پیشنهاد در درون آتش رفتن، به معنای قطع گفت‌وگو و متوسل شدن به راهکاری غیرعقلانی است. راهکاری که هیچ مطابقت با روح حکایت و عقلانیت ندارد و به هیچ صورت قابل تعمیم در گستره‌ی جامعه و طول زمان نیست. در این‌جا، پیشنهاد در داخل آتش رفتن، یک حشو زاید است که ناگهان سبز می‌شود. و گر نه ده کجا و درختا کجا!

در این حکایت، ما یک پارادوکس را شاهدیم و آن، اتفاق یک امر عقلانی در بستر جامعه و جست‌وجوی یک راه حل فردی و صوفیانه است. مولوی، داستانی را مطرح می‌کند که عقل محور مؤمن (که در حقیقت همان صوفی است) از چنگ فلسفی و گرفتن نتیجه‌ی مطابق میل، به راه‌حلی متوسل می‌شود که حتا باور کردنش در عقل نمی‌گنجد، چه رسد به کار بستن آن. در دو حکایت فوق، پدیده‌های قضاوت و گفت‌وگو، در بافتار فضای صوفیانه به بن‌بست می‌خورد. همچنان راه حل‌های پیشنهادی صوفیانه، در مابینت کامل با خرد و رفتارهای متعارف است و اگر به‌صورت استثنایی یک بار اتفاق افتاده باشد، اما تعمیم‌دادن چنین راه حل‌هایی، غیرممکن است. ولی جهان‌شناسی صوفیانه، بر است از چنین راه حل‌هایی تعمیم‌ناشونده. صوفی وقتی از درون خودش و انزوای خانقاه خود با واقعیت‌های بیرونی مواجه می‌شود؛ چنین راه حل‌هایی را پیشنهاد می‌کند!

در حکایت مؤمن و فلسفی، دو نفر با دو باور متضاد، با هم گفت‌وگو دارند. اما مولوی، در قاموس مرد مؤمن در میان گفت‌وگو مداخله می‌کند و پیشنهاد در درون آتش رفتن را می‌دهد. این پیشنهاد، متأثر از یک پیش‌فرض است و آن پیش‌فرض، همان داستان ابراهیم و نمرود است. چنین طرحی، از یک‌طرف، با توجه به فضای حکایت، ناسازگار است و از سویی دیگر مغرضانه و غیر بی‌طرفانه. چون مؤمن می‌گوید تو فلسفی متقلب هستی و من تقدم، یعنی عاری از غل و غش‌ام. حیف است که من خالص، با تویی قلب، سر یک میز گفت‌وگو بنشینیم. حال آن‌که چنین نگاه تفضیلی در سخنان فلسفی، دیده نمی‌شود.

نکته‌ی دیگر، همان بحث شاهدمثالی بودن و موضوعی بودن متون صوفیانه است (در این مورد، در یادداشتی با عنوان متن‌های شاهدمثالی، به‌صورت مشروح پرداخته شده است). به‌عنوان نمونه، وقتی این دو حکایت را بررسی کنیم؛ در این حکایت‌ها تک‌بیت‌های زیبا و پندآموز می‌بینیم. تک‌بیت‌هایی که در حمایت از عقل، تساهل، مدارا... تفسیرشونده‌اند. اما هرگاه، حکایت‌های مثنوی را به‌صورت موضوعی بررسی کنیم نتیجه کاملاً برعکس آن تک‌بیت‌ها، می‌شود. چنان‌که در این دو حکایت دیدیم تکیه‌گاه قضاوت در حکایت اول، نه مبانی حقوقی و چارچوب‌های قانونی است و نه خرد. ممکن کسی بگوید آن زمان علم حقوق به گونه‌ی امروزی وجود نداشت. اما خرد که وجود داشت. به‌جای آن، یک امر استثنایی، یعنی الهام‌گرفتن از غیب است که آن موهبت، شامل حال هر کس و در هر موقع نمی‌شود. زیرا، مشکل اصلی، مربوط دوران پیامبران نیست؛ بل‌که مربوط دوران پس از پیامبران است. در نهایت، هرگاه حکایت‌های مثنوی را به گونه‌ی موضوعی تحلیل کنیم نتیجه‌ی آن، غیر از آن چیزی می‌شود که آدم در تک‌بیت‌ها، به شکل شاهدمثال‌ها می‌بیند.

ادامه دارد...